



نگاهی به  
چکیده و یافته‌های تحقیقات ملی  
سازمان نهضت سواد آموزی  
۱۳۸۵ - ۱۳۸۶

مدیریت برنامه‌ریزی، هماهنگی مشارک‌های بین‌بخشی و امور بین‌الملل  
گروه تحقیقات و برنامه‌ریزی

پائیز ۱۳۸۶

## بسمه تعالی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
۳	۱. مقدمه
۴	۲. تعیین راهکارهای مناسب جهت سواد آموزی زنان عشایر استان لرستان
۱۱	۳. بررسی مشکلات نگهداری زنان سواد آموز دوره‌ی مقدماتی نهضت سوادآموزی، واره‌های راهکارهای بهبود آن با تأکید بر ابعاد آموزشی" (شهر تهران، نیمه‌ی اول ۱۳۸۵) دانشگاه تهران دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان
۲۳	۴. فراتحلیل مطالعات درباره علل افت کمی و کیفی سواد آموزان در دوره های سواد آموزی در ایران"
۴۰	۵. نقش ارزشیابی توصیفی در جذب و نگهداری سواد آموزان منطقه ۳ کشور (از دیدگاه گروه‌های هدف)

مجری: دکتر علی دلاور

ناظر: عبدالرسول عمادی

تیرماه سال ۱۳۸۶

استاد راهنما: دکتر زهرا بازرگان

استاد مشاور: دکتر مسعود لواسانی

پژوهشگر: زینب شیری

زمستان ۱۳۸۵

ناظر: علی ابراهیمان هادی کباشری

مجری: دکتر سعید معیدفر

دستیار ارشد: محمد جواد شفیعی بهار ۱۳۸۶

مجری: موسسه مطالعات خلاقیت و کارآفرینی نوین جم

محقق: علی زکقی

ناظر: علی ابراهیمان هادی کباشری

مهرماه ۱۳۸۶

## مقدمه

امروزه در بسیاری از سازمان ها به ویژه سازمان های آموزشی از پژوهش و تحقیقات به عنوان یک عنصر توانمند یاد می شود که می تواند برنامه های سازمان را آن چنان متحول نماید که قادر باشد قابلیت های شگرفی را از دیدگاه بهره‌وری و کارایی ارائه نماید. بر این اساس سازمان نهضت سوادآموزی به منظور فراهم کردن امکانات لازم برای انجام تحقیقات در زمینه سوادآموزی و آموزش بزرگسالان و سوق دادن طرح های تحقیقاتی در جهت اولویت های نظام آموزشی همه ساله انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده است. به طوری که برنامه های پژوهشی به عنوان یکی از خطوط کلی و محور اصلاح و تغییر و تحول در نظر گرفته شده است. در این میان اطلاع رسانی و بهره گیری از نتایج یافته ها از دغدغه های اساسی و همیشگی بوده است. در واقع بسیاری از پژوهش ها به دلیل فقدان حلقه اتصال به حوزه عمل و کاربردی بی اثر باقی می ماند. بر این اساس لازم است از اسلوب و شیوه های خاصی بهره گیری کرده تا اطلاع رسانی در این زمینه به نحو مطلوب انجام گیرد. در این خصوص از جمله روش های اثر گذار و پایدار انتشار یافته های پژوهش در قالب خلاصه یا چکیده های مکتوب است. مجموعه ای را که در پیش رو دارید خلاصه ای از ۴ پژوهش خاتمه یافته در سال ۸۶ می باشد که در حوزه های مختلف ماموریتی سازمان اجرا شده است. در ارائه این اثر تلاش گردیده ضمن رعایت امانت با مشخص کردن عناوین، اصلی ترین مولفه های هر پژوهش در زیر عناوین: اهداف پژوهش، سوالات پژوهش، روش تحقیق، جامعه آماری و نمونه، یافته های پژوهش، پیشنهادات، محدودیت ها متمایز و گزارش گردد.

با تشکر از محققین، ناظرین طرح های پژوهشی که این سازمان را یاری و همچنین همکارانم در مدیریت برنامه ریزی هماهنگی مشارکت ها و امور بین الملل و گروه تحقیقات و برنامه ریزی که در گردآوری و تنظیم این مجموعه تلاش کردند امیدوارم کاربردی پژوهشها مورد توجه و بهره گیری عملیاتی در برنامه ریزی های سازمانی قرار گیرد.

علی وطنی

قائم مقام سازمان و رئیس کمیته پژوهشی

عنوان: تعیین راهکارهای مناسب جهت سواد آموزی زنان عشایر استان لرستان

پژوهشگر : دکتر علی دلاور

ناظر : عبدالرسول عمادی

سال اجرا : ۱۳۸۵

### اهداف پژوهش

- تعیین موانع توسعه فعالیت های سوادآموزی در میان عشایر کوچ رو استان لرستان از نظر خود آنها
- تعیین موانع توسعه فعالیت های سوادآموزی برای زنان عشایر استان لرستان از نظر مدیران آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی
- بررسی پیشنهاد ها و راهکارهایی عملی در زمینه توسعه فعالیت های سوادآموزی برای زنان عشایر استان لرستان
- بررسی توانمندی بالقوه سازمان های مرتبط با امور عشایر جهت توسعه آموزش زنان عشایر استان لرستان از نظر مدیران این سازمان ها

### سوالات پژوهش

- وضعیت فعلی فعالیت های سوادآموزی عشایری در استان لرستان چگونه است؟
- مهمترین موانع زنان عشایر لرستان جهت شرکت در فعالیت های سوادآموزی چیست؟
- از نظر مدیران آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی و سایر ادارات مرتبط استان موانع و محدودیت های توسعه فعالیت های سوادآموزی در میان زنان عشایر لرستان چیست؟
- با عنایت به موانع موجود و ظرفیت ها ، از نظر مدیریت آموزش و پرورش و سوادآموزی و دیگر مدیران دستگاه ها و سازمان های دولتی استان لرستان چه راهکارهایی برای توسعه فعالیت های سوادآموزی بین زنان عشایر لرستان پیشنهاد می شود؟

### روش تحقیق:

این تحقیق یک تحقیق پیمایشی است از این حیث که از پرسشنامه و مصاحبه اقدام به جمع آوری اطلاعات می شود.

## جامعه آماری و نمونه:

با توجه به اینکه این پژوهش دارای سوالاتی است که لازم است از دو گروه از جمله عشایر و مدیریت استان اطلاعات جمع آوری شود؛ لذا دو جامعه آماری خواهد داشت.

در بخش اول جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از تمامی زنان عشایر استان که البته آمار دقیقی از آنها در دسترس نیست لکن طبق آمار سازمان امور عشایر وزارت جهاد کشاورزی، آمار تقریبی عبارت است از ۴۷۷۰ نفر زن است که نمونه متناسب با آن ۳۲۰ نفر خواهد بود به دلیل عدم انسجام جامعه مورد نظر، نخست از میان شهرهای مقصد عشایر و اسکان دهنده عشایر کوچنده دو شهر به روش خوشه ای انتخاب می شود و سپس پرسشنامه های موجود با کمک و بازخوانی همکاران پرسشگر (عمدتاً کارکنان نهضت سواد آموزی) برای آنان اجرا می شود در هنگام تکمیل پرسش ها از مصاحبه نیز استفاده خواهد شد.

جمع	قشلاق		بیلاق		بخش	شهرستان
	تعداد زن	تعداد خانوار	تعداد زن	تعداد خانوار		
۱۲۳۸	۱۴	۵	۹۲۷	۲۹۲	بخش مرکزی	ازنا
۱۹۴۸۷	۴۸۲۸	۱۴۷۴	۱۱۳۶۴	۱۸۲۱	بشارت	الیگودرز
۲۴۶۱۵	۶۹۶۷	۲۳۷۴	۱۱۲۷۷	۳۹۹۷	زوز ماهرو	
۲۱۹۴	۱۲۷	۲۰	۱۵۷۸	۴۶۹	مرکزی	
۵۸۹	۳۱۵	۹۵	۱۳۴	۴۵	مرکزی	بروجرد
۷۴۴۹	۴۱۲۲	۱۲۳۴	۱۶۳۴	۴۵۹	معمولان	پل دختر
۴۱۶۴	۱۰۶۳	۳۲۱	۲۱۴۶	۶۳۴	مرکزی	
۱۱۵۴۸	۴۰۳۷	۱۲۶۵	۴۷۴۸	۱۴۹۸	پاپی	خرم آباد
۸۰۷۳	۳۰۶۵	۹۴۸	۳۰۹۳	۹۶۷	دوره چگنی	
۲۲۷۲	۳۰	۱۰	۱۷۱۸	۵۱۴	چغلوئندی	
۲۳۱۶	۰	۰	۱۷۷۱	۵۴۵	زاغه	
۴۴۱۹	۸۳۵	۲۵۵	۲۵۳۷	۷۹۲	مرکزی	
۳۸۱	۱۶۰	۴۴	۱۴۲	۳۵	ویسیان	
۵۱۹۴	۱۶۳۷	۴۷۵	۲۳۸۴	۶۹۸	کاکاوند	دلفان
۳۲۵۰	۷۲۳	۲۴۱	۱۷۶۲	۵۲۴	مرکزی	
۹۷	۷۹	۱۸	۰	۰	سیلاخور	دورود
۲۷۱۲	۵۹۸	۱۷۴	۱۴۹۵	۴۴۵	مرکزی	
۱۸۲۳	۵۱۹	۱۴۷	۹۰۲	۲۵۵	فیروزآباد	سلسله
۵۹۴۱	۲۰۸۸	۶۴۱	۲۴۶۰	۷۵۲	مرکزی	
۳۶۵۰	۲۱۱۴	۷۰۹	۶۴۷	۱۸۰	رومشکان	کوهدشت
۳۶	۰	۰	۰	۳۶	طرحان	
۱۱۱۴۴۸	۳۳۳۲۱	۱۰۴۵۰	۵۲۷۱۹	۱۴۹۵۸	جمع کل	

در بخش بعد به دلیل اینکه جامعه آماری بسیار محدود است و همچنین روش تحقیق یک روش توصیفی است، مفهوم نمونه گیری معنی خود را از دست می دهد لذا کل تعداد مدیران (جامعه) مورد تاکید را بعنوان نمونه در نظر می گیریم.

بنابراین جامعه مدیران این تحقیق مشتمل است بر سازمانهای مورد تاکید در مصوب جلسه ۵۹۵ مورخ ۸۵/۹/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تدوین برنامه راهبردی سوادآموزی که مرکب از استاندار (رئیس ستاد)، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، امام جمعه مرکز استان، رئیس سازمان آموزش و پرورش استان (دبیر ستاد)، رئیس دانشگاه علوم پزشکی مرکز استان، مدیر مرکز صدا و سیما استان، رئیس سازمان جهاد و کشاورزی استان، مدیرکل کار و امور اجتماعی استان، رئیس سازمان جهاد و کشاورزی استان، مدیرکل کار و امور اجتماعی استان، مدیر کل امور عشایر استان، مدیر نهضت سواد آموزی استان می باشد که مدیران مورد مطالعه در این تحقیق هستند. با عنایت به مشخص و محدود بودن جامعه مدیران مورد نظر باید گفت این مدیران در حدود ۱۰ نفر می باشند که با تمامی آنها اقدام به مصاحبه خواهد شد.

### یافته های پژوهش

هرگونه تحقیق در زمینه آموزش قشر عشایر مستلزم توجه به زمینه های مختلف و چالش انگیزی است که بدون توجه و لحاظ کردن آنها در تحلیل وضعیت، نمی توان به واقعیات دست پیدا کرد. در بحث آموزش و سواد آموزی عشایر بلاخص قشر زنان موضوع قدری متفاوت است. این نکته که شرایط زندگی و شرایط کاری روزمره زنان عشایر عامل مهمی در میزان وقت گذاری این افراد برای فعالیت های سواد آموزی است چالش های زیادی را برای برنامه ریزان بوجود آورده است. پراکندگی جغرافیایی، پراکندگی سنی و دسترسی سخت به این قشر موجب شده است که همواره موضوع آموزش زنان عشایر به یکی از موضوعات بحث انگیز برای برنامه ریزان تبدیل شود حتی این موضوع موجب ایجاد اداره ای جدید در وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان دفتر امور عشایر شده است.

استان لرستان به عنوان یکی از استان های مهم عشایری کشور سهم قابل توجهی از این قشر را در فصول مختلف سال به خود اختصاص داده است. حضور عشایری از استانهای خوزستان، چهار محال و بختیاری به طور موقت و فصلی خود یکی از دیگر چالش های برنامه ریزی ثابت برای آنها بوده است.

این تحقیق نخست وضعیت سواد آموزی را در قشر مورد نظر مورد بررسی قرار داد و نتایج نشان داد که موارد گزارش شده در مورد حضور این افراد در کلاسهای سوادآموزی بسیار ناچیز است و با توجه به اینکه سازمان های دیگری غیر از سازمان نهضت سوادآموزی در این زمینه یعنی ارائه خدمات آموزشی برای این قشر فعالیت هایی را داشته است، سعی شد از این نظر نیز جامعه مورد نظر ارزیابی شود.

نتایج نشان داد فعالیت‌های صورت گرفته توسط نهادهایی مانند سازمان امور عشایر وزارت جهاد کشاورزی، نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر سازمان‌ها در حد بسیار پراکنده است. این به این معنی است که اولاً بین پاسخ‌ها هیچگونه انسجام و نظم‌ی وجود ندارد و ثانیاً بسته به شرایط بیلاق و قشلاق، این نوع آموزشها معلوم نیست که دقیقاً در چه محدوده زمانی انجام شده است. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که فعالیت قابل توجهی در زمینه سواد آموزی قشر عشایر در استان لرستان صورت نگرفته است. همان طور که گفته شد پراکندگی جامعه مورد نظر و هزینه‌های خاص آموزش ممکن است سبب شود که سازمان نهضت سواد آموزی به تنهایی از عهده آموزش و سواد آموزی این قشر بر نیاید. هماهنگی که بین دستگاه‌های استان در زمینه تسریع در روند فعالیت‌های سواد آموزی در مصوبه شماره ۵۹۵ تاریخ ۸۵/۹/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است می‌تواند به نوعی ناظر بر اهمیت توجه به مقوله سواد آموزی باشد. این اهمیت به طور قطع به سوادآموزی عشایر نیز تعمیم می‌یابد. مجموعه‌ای که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن تأکید شده است بیش از هر چیز می‌تواند زمینه سوادآموزی قشر عشایر را تسهیل بخشد. ستاد مرکب از استاندار (رئیس ستاد) رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، امام جمعه، رئیس سازمان آموزش و پرورش (دبیر ستاد) رئیس دانشگاه علوم پزشکی، مدیر صدا و سیما رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر کل کار و امور اجتماعی استان از جمله کسانی هستند که عضو این ستاد هستند.

اعضای ستاد مورد نظر به نظر از جمله تکمیل‌ترین ستادها در زمینه تسریع فعالیت‌های سوادآموزی باشد. نکته مهم این است که از لحاظ ساختاری، سیاستگذاری در امور مذکور تسهیل شده است آنچه باقی می‌ماند موضوع تدوین سیاست و اجرای آن است که به نظر می‌رسد با توجه به تأکید صریحی که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی شده است زمینه‌ها به آسانی می‌تواند جهت سوادآموزی قشر عشایر تسهیل شود.

در یکی از بندهای مصوبه مذکور آمده است تا پایان برنامه ۵ ساله چهارم و پنجم توسعه می‌بایست گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال به طور کلی از حیث بی سوادی بری باشند. با توجه به اینکه نتایج جمع آوری اطلاعات نشان داد که میانگین سنی گروه نمونه بالاتر از ۳۵ سال است. این تأکید شامل حال گروه نامبرده نیز خواهد شد.

تاکنون در مورد خلأ سیاستگذاری و نیاز به وجود یک ستاد برای تسریع در حل موضوع صحبت شد. اکنون با عنایت به مصوبات و تصمیم سازمان نهضت سواد آموزی به حل موضوع سوادآموزی عشایر، لازم است برخی موانعی که در زمینه سوادآموزی قشر زنان عشایر در اطلاعات جمع آوری شده بدست آمد نیز مورد بحث قرار گیرد.

از حیث فواصل جغرافیایی نتایج نشان داد فاصله محل اسکان عشایر تا جاده ماشین رو روستایی بیش از ۴ کیلومتر است. با توجه به اینکه مناطق اسکان یافته قدری صعب العبور است لکن تلاش در جهت ایجاد جاده‌های کوهستانی در این مناطق تا حداقل ممکن ارزشمند خواهد بود. این اقدام ضمن توسعه و رونق اقتصادی این قشر، از لحاظ اجتماعی و فرهنگی و گسترش سریع ارتباطات نیز آثار مفیدی بر جای خواهد گذاشت.

تولید کلاسهای سیار به صورت قابل جابه‌جایی می‌تواند این حسن را داشته باشد که نیازی به حضور سوادآموزان به شهر یا روستا نخواهد بود ضمن اینکه می‌توان با هماهنگی و تنظیم زمان، نسبت به ایجاد کلاس در زمانهای پیشنهادی به صورت سنجیده اقدام کرد.

در نتایج مشاهده شد که تقریباً میزان نقص عضو در بین جامعه مورد نظر بسیار ناچیز و غیرقابل توجه است. از لحاظ میزان فعالیت روزمره نتایج نشان داد که بر خلاف گذشته امروزه بسیاری از فعالیت‌ها زمان قابل توجهی را از سوی زنان مورد نظر به خود اختصاص نمی‌دهد. مثلاً فعالیت جمع‌آوری هیزم، تولید صنایع دستی از جمله این فعالیت‌ها هستند. در گذشته دست کم در روز بخشی از وقت زنان صرف جمع‌آوری هیزم و یا تولید صنایع دستی صرف می‌شد لکن امروزه استفاده از کپسول‌های گاز و صنایع دستی آماده این واقعیت را نمایان می‌سازد که ساعات روز صرف فعالیت‌های بهتری که جنبه پایداری بیشتری می‌شود از جمله سوادآموزی معطوف سازیم.

در مجموع تراکم فعالیت زنان مورد مطالعه در ساعات اوایل صبح یعنی ۶ تا ۹ یا حداکثر ۱۰ می‌باشد و به همین ترتیب عصرها یعنی ساعات ۵ به بعد نیز به تراکم فعالیت‌ها افزوده می‌شود. امکان سنجی برقراری کلاسهای طی زمان‌های بین ساعت ۹ یا ۱۰ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر قدری قابل توجیه است لذا هر گونه برنامه‌ریزی لازم است با در نظر گرفتن محدودیت‌های یادشده باشد.

از لحاظ نگرشی شواهد مندرج حاصل از جمع‌آوری، توصیف و تحلیل اطلاعات نشان داد از این لحاظ مانعی بر سر راه سوادآموزی زنان عشایر وجود ندارد. نتایج حاصله در ابعاد علاقمندی به تحصیل، اعتماد به نفس در سوادآموزی، موضوع محدودیت‌های زمانی و مکانی و نگرش‌های خاص جنسیتی مانعی بر سر راه حضور زنان در فعالیت‌های سوادآموزی نمی‌باشد. تغییرات نگرشی طی دهه اخیر در پاسخ‌های ارائه شده به وضوح قابل مشاهده است. بسیاری از زنان یعنی بخش قابل توجهی از آنها امروزه نسبت به اهمیت سوادآموزی واقف هستند و عمدتاً نظر مساعدی نسبت به آن دارند. موضوع جنسیتی نیز به عنوان یک زمینه مهم که قبلاً در زندگی عشایری موجبات عقب افتادگی و ضعف فرهنگی را فراهم می‌ساخت امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

از لحاظ محدودیت‌های زمان و مکان معلوم شد علی‌رغم وجود محدودیت‌ها کماکان زمان حاضرند در صورت آماده شدن بستر، از این موضوع به عنوان یک فرصت برای ارتقاء خود بهره‌گیری کنند.

## پیشنهادات

- ۱- نتایج نشان داد که از بعد نگرشی مانع جدی بر سر فعالیت‌های سوادآموزی برای زنان عشایر استان وجود ندارد. از لحاظ فواصل جغرافیایی و صعب‌العبور بودن برخی مناطق به نظر می‌رسد امکانات موجود سازمان نهضت سوادآموزی نتواند پاسخگوی نیازهای این قشر برای سوادآموزی باشد لذا مناسب‌ترین و پایه‌ای‌ترین راهکار آن است که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (تشکیل ستادهای استانی) به عنوان اولین اقدام و پیش‌نیاز برای سایر پیشنهادات این طرح اجرایی شود.
- ۲- عمده دستگاه‌ها از لحاظ همفکری و برنامه‌ریزی برای قشر مورد نظر اعلام آمادگی کرده‌اند. این ظرفیت بالقوه می‌تواند در زمینه‌هایی از جمله نحوه تامین اعتبارات و کمک‌های مردمی و تقسیم کار بین آنها مفید باشد. پیشنهاد می‌شود از این ظرفیت در زمینه‌های جمع‌آوری و تامین اعتبارات و امکانات که به نظر می‌رسد مانع مهمی بر سر راه سوادآموزی عشایر است استفاده شود.
- ۳- این تحقیق نشان از پراکندگی زیاد بین جامعه مورد نظر از لحاظ سنی و فعالیت‌های روزمره دارد. ولی مجموع اطلاعات جمع‌آوری شده از لحاظ زمانی مناسب آموزش نشان می‌دهد زنان عشایر عمدتاً در ساعات اولیه صبح و عصرها دارای تراکم کاری هستند و مناسب‌ترین زمان ارائه آموزش برای این قشر مطابق آمارهای جمع‌آوری شده بین ساعات ۹ تا ۱۱ صبح می‌باشد که این خود می‌بایست با در نظر گرفتن رعایت حداقل فواصل بین محل‌های سکونت ثابت و عمدتاً غیرثابت رعایت شود.
- ۴- با عنایت به اینکه جامعه مورد نظر عمدتاً نیمه‌کوچ‌رو و کوچ‌رو هستند لذا هرگونه برنامه‌ریزی می‌بایست در قالب تشکیل کلاس‌های کوتاه مدت باشد. با توجه به اینکه نوع نیازهای سوادآموزی این قشر از جامعه عامل مهمی در استقبال آنها از فعالیت‌های سوادآموزی است لذا تأکید بر مهارت‌های بنیادی زندگی و آموزش‌های بهداشتی لازم است به طور جدی در برنامه درسی این قشر گنجانیده شود. اشتیاق موجود برای آموختن از سوی این افراد (نتایج پرسشنامه) لزوم توجه دقیق و ظریف بر نیازهای آنها در قالب برنامه درسی سیال را خاطر نشان می‌سازد.
- ۵- نتایج نشان می‌دهد که تقریباً موضوع جنسیت آموزش محدودیتی بر سر راه سوادآموزی افراد مورد نظر نمی‌باشد بنابراین سازمان نهضت سوادآموزی می‌تواند با همکاری سازمان‌های آموزش و پرورش استان زمینه را برای بهره‌گیری از مضمولان سربازی در قالب سرباز معلم برای ترویج آموزش برای این قشر فراهم سازد.
- ۶- براساس نتایج به طور متوسط فاصله تا جاده ماشین‌رو روستایی با محل اسکان عشایر مورد نظر نزدیک به ۳ کیلومتر است. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های عشایر دارای فاصله تقریبی کمتر از ۵۰۰ متر از هم هستند لذا تولید اتاقک‌های سیار به عنوان کلاس درس و ایجاد جاده‌های ماشین‌رو هر چند بسیار ساده جهت حضور آموزشیاران به این مناطق با همکاری سازمان‌های استان از جمله اداره کل راه

ترابری استان و سازمان جهاد کشاورزی استان می‌تواند زمینه را جهت تسریع فعالیت‌های سوادآموزی برای این قشر فراهم کند ضمن اینکه این کار موجب رشد اقتصادی جامعه مورد نظر جهت ارتباط با سایر مناطق و فروش محصول و خرید کالا و... شود.

۷- تدوین برنامه درسی خاص عشایر با توجه به نیازها آخرین پیشنهاد طرح است. نتایج نشان داد که زمینه‌های فردی برای شرکت در فعالیت‌های سوادآموزی فراهم است. موضوع فواصل و زمان تشکیل کلاس‌ها نیز به عنوان یک پیشنهاد مطرح شد. حساسیت خاص جامعه مورد نظر این واقعیت را به ذهن می‌رساند که بهترین راه جهت حضور پیگیر قشر مورد نظر، تدوین برنامه درسی مبنی بر نظرسنجی از طرف این افراد است.

### محدودیت‌ها

در انجام بهینه این تحقیق همانند بسیاری از تحقیقات محدودیت‌هایی وجود داشته است که با توجه به ماهیت جامعه آماری و نمونه این محدودیت‌ها قدری ممکن است بر نتایج تأثیر گذاشته باشد ولی نمی‌توان به طور قطع تأثیر آنها را بیش از اندازه مورد تأکید قرار دهیم. محدودیت‌ها عبارتند از:

۱- یکی از محدودیت این تحقیق زمان کم برای انجام آن بوده است. با توجه به اینکه جامعه آماری این تحقیق زنان بی‌سواد عشایری بوده است لذا جمع‌آوری اطلاعات مستلزم حضور پرسشگر در مناطق دور افتاده (بالاخص مناطق صعب‌العبور) بوده است. که می‌بایست پرسش‌ها به زبان و لهجه خاص مورد نظر قرائت شود آنگاه پاسخ‌ها توسط پرسشگر در پرسشنامه درج شود. این یک فعالیت طاقت‌فرسا بوده است که در تحقیقات دیگر تقریباً وجود ندارد.

۲- عدم دسترسی به نمونه معرف از یک سو و پراکندگی خانواده‌های عشایری از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بوده ولی با توجه به همکاری کارشناسان محترم سازمان نهضت سوادآموزی استان و برخی نهادهای مرتبط سعی شد حتی الامکان این مانع برطرف شود لکن اعتقاد بر آن است که به طور قطع برطرف نشده است.

۳- تفاوت‌های درونی و پراکندگی درونی از حیث متغیرهایی نظیر سن، تعداد فرزندان، فاصله زندگی تا شهر و روستا و... موجب می‌شود نتوان پیشنهادات کاملاً دقیقی مبتنی بر آمار و اطلاعات جمع شده به صورت کلی برای این قشر ارائه داد و عمدتاً پیشنهادات براساس متوسط پاسخ‌های جمع‌آوری شده تدوین شده است.

۴- هزینه کم این طرح از دیگر محدودیت‌های اجرایی بوده است. سختی‌های دسترسی به نمونه از یک سو و از سوی دیگر مصاحبه‌های فردی هزینه زیادی را برای محقق بوجود آورد که با توجه به هزینه کل طرح توجیه ناپذیر است.

**عنوان:** بررسی مشکلات نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی و ارائه راهکارهای بهبود آن با تاکید بر ابعاد آموزشی

**پژوهشگر:** زینب شیری

**مشاور:** مسعود لواسانی

**سال اجرا:** ۱۳۸۵

### اهداف پژوهش

- بررسی عوامل موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی
- بررسی عوامل خانوادگی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی
- بررسی عوامل جسمانی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی - بررسی عوامل اقتصادی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی
- بررسی عوامل فرهنگی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی
- بررسی عوامل موثر آموزشی در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی از دیدگاه سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی

### سوالات پژوهش

- آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد سوادآموزان و راهنمایان تعلیماتی در باره عوامل موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟
- آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی در باره عوامل جسمانی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟
- آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد سوادآموزان و آموزشیاران و راهنمایان تعلیماتی در باره عوامل اقتصادی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟

- آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد سوادآموزان و راهنمایان تعلیماتی در باره عوامل فرهنگی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟

- آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد سوادآموزان و راهنمایان تعلیماتی در باره عوامل آموزشی موثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟

### روش تحقیق

تحقیق حاضر به دلیل آنکه قصد کاربرد نتایج بدست آمده را در نهضت سواد آموزی دارد، از نوع کاربردی می باشد. همچنین به دلیل اینکه به توصیف مسأله ی مورد نظر می پردازد بنابراین روش تحقیق حاضر، توصیفی و از نوع طرحهای علی- مقایسه ای است ، که در آن دیدگاههای دو گروه (آموزشیاران، راهنمایان تعلیماتی) و (سوادآموزان) و مورد مقایسه قرار می گیرد.

### یافته های پژوهش

نظر به اهمیت سواد و تحصیلات در رشد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و بلاخره توسعه ی کشور تحقیق حاضر نیز با هدف « بررسی مشکلات نگهداری زنان سواد آموز دوره مقدماتی نهضت سوادآموزی و ارائه ی راهکارهای بهبود آن با تأکید بر ابعاد آموزشی » صورت گرفت . با استفاده از ابزار پرسشنامه و روش آماری توصیفی و علی - مقایسه ای اقدام به جمع آوری و تجزیه و تحلیل پرسشنامه شد. در فصل حاضر، یافته های تحقیق ، مورد بحث و نتیجه گیری قرار می گیرد و در انتها پیشنهاداتی در جهت رفع برخی از مشکلات ارائه می شود. به منظور آشنایی با ویژگی های جمعیت شناسی دو گروه آزمودنی در ذیل به طور خلاصه به ذکر ویژگی های آنها پرداخته می شود.

### ۱-۵) خلاصه ی ویژگی های دو گروه نمونه :

- میانگین سنی گروه آموزشیاران و راهنمایان ۲۸ سال می باشد .
- میانگین سنی گروه سواد آموزان دوره تکمیلی ۴۲ سال می باشد.
- میانگین سابقه شغلی آموزشیاران و راهنمایان چهار سال و نیم می باشد.
- بیشتر آموزشیاران دوره مقدماتی و راهنمایان دارای مدرک تحصیلی لیسانس (۴۸/۵ درصد) می باشند.
- بیش از ۹۰ درصد سواد آموزان دوره تکمیلی متأهل هستند.
- بیشترین و کمترین میزان تحصیلات همسران سوادآموزان در سطح ابتدایی (۳۸/۲ درصد) و دانشگاهی (۳/۲ درصد) می باشد.

## ۲-۵) بحث و نتیجه‌گیری سئوالات تحقیق :

در این قسمت هر یک از سئوالات مورد بررسی قرار گرفته و در انتهای هر سؤال نتیجه‌گیری کلی از نتایج آن سؤال صورت می‌گیرد.

۱-۲-۵) سؤال اول تحقیق : آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد (سواد آموزان) و (آموزشیاران و راهنمایان عملیاتی) درباره عوامل خانوادگی مؤثر در نگهداری زنان سواد آموز دوره مقدماتی وجود دارد؟  
با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون t گروه‌های مستقل و سطح معناداری  $P < 0/001$  [جدول ۴-۸ و نمودار ۴-۱] مشخص شد که بین دو گروه نمونه در مقوله عوامل خانوادگی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد. بدین معنی که مؤلفه‌های عوامل خانوادگی از قبیل عدم رضایت همسر و فرزندان، مشکلات ناشی از ازدواج، نگرانی از امور داخل منزل و نداشتن وقت کافی، در عدم ماندگاری بیشتر سواد آموزان دوره مقدماتی در کلاس درس از دیدگاه سواد آموزان به طور میانگین (۱۷/۲۳ درصد) و از دیدگاه آموزشیاران و راهنمایان نیز به طور میانگین (۱۵/۰۱ درصد) تأثیر دارد. همانگونه که از تفاوت میانگین‌ها مشاهده می‌شود گروه سوادآموزان به مشکلات ناشی از عوامل خانوادگی در عدم ماندگاری سوادآموزان کمی بیش از آموزشیاران تأکید دارند، و آموزشیاران و راهنمایان عوامل اشاره شده در فوق را کمتر در این امر دخیل می‌دانند.

همانگونه که در فصل دوم اشاره شد نتایج تحقیق تبریزی (۱۳۶۶)، مظفری (۱۳۷۶) محمدعلیزاده (۱۳۷۰) و خدایار<sup>۱</sup> (۱۳۷۶) مؤید این نکته است که مشکلات زندگی (خانوادگی) بخصوص در مورد متأهلین بیشترین سهم را در عدم شرکت آنها در کلاس نهضت سوادآموزی داشته است. بطوری که در جواب سوال ۳۰ پرسشنامه، در گروه آموزشیاران و راهنمایان (۴۴/۱ درصد) و در گروه سوادآموزان (۲۷/۳ درصد) مشکلات زندگی را در اولویت اول پاسخ‌های خود قرار دادند.

از میان عوامل خانوادگی، جسمانی، اقتصادی و فرهنگی، از دیدگاه دو گروه نمونه عامل خانوادگی بیشترین تعداد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. در تأیید این مطلب بلرز (۱۹۹۸) و هابل<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) اظهار کرده‌اند عواملی مانند شغل، مشکلات فردی، خانوادگی، سلامتی و سطح حمایت خانوادگی در جذب و نگهداری سوادآموزان تأثیر مستقیمی دارد.

مجدداً اشاره می‌کنیم که مشکلات خانوادگی یکی از عوامل مهمی است که در عدم ماندگاری سوادآموزان در کلاس و همچنین در کاهش انگیزه‌ی آنها به ادامه تحصیل تأثیر دارد. مخالفت و عدم آگاهی همسران سوادآموزان از فواید تحصیل زنانشان، اشتغال زنان جهت تأمین مایحتاج زندگی، نبود

<sup>۱</sup> رجوع کنید به فصل دوم، صفحات ۱۹۲ الی ۹۴<sup>۲</sup> رجوع کنید به فصل دوم، صفحه ۱۰۰

حمایت خانوادگی از زنان، رسیدگی به امور فرزندان، نظافت منزل و موارد مشابه به تدریج باعث دلسری زنان نسبت به ادامه تحصیل شان می‌گردد.

۵-۲-۲) سؤال دوم تحقیق، آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد (سوادآموزان) و (آموزشیاران و راهنمایان

تعمیلاتی) درباره عوامل جسمانی مؤثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون t گروه‌های مستقل و سطح معناداری  $p < 0/001$  مشخص

گردید بین دو گروه نمونه تحقیق در مقوله عوامل جسمانی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد.

بدین معنی که مؤلفه‌های عوامل جسمانی از قبیل اختلالات شنوایی، گویایی و بینایی، احساس ضعف

جسمانی و عدم یادگیری مطالب، پیری و کهولت سن و خستگی ناشی از کار روزانه در عدم ماندگاری

بیشتر سوادآموزان دوره مقدماتی در کلاس از دیدگاه سوادآموزان به طور میانگین (۱۴/۸۹ درصد) و از

دیدگاه آموزشیاران و راهنمایان نیز به طور میانگین (۱۰/۷۴ درصد) تأثیر دارد.

تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد گروه سوادآموزان به مشکلات ناشی از عوامل جسمانی در عدم

ماندگاری شان بیش از آموزشیاران و راهنمایی تأکید داشته‌اند. و آموزشیاران و راهنمایان عوامل اشاره شده

در فوق را کمتر در این امر دخیل می‌دانند.

محمدی، محمد علیزاده و خدایار<sup>۳</sup>، در تحقیقات خود به نتایج مشابهی رسیده‌اند. تحقیق آنها نشان می

دهد که: بین عقیده سوادآموزان نسبت به داشتن توانایی جسمی لازم برای یادگیری، افزایش سن، پیری و

کهولت سن و وضعیّت جسمی و روحی نامناسب، با کاهش عدم استقبال بیسوادان در کلاس‌های نهضت

سوادآموزی و یافت تحصیلی آنان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

حاصل تحقیقات بلزر نشان می‌دهد که بزرگسالان بوسیله ی عوامل موقعیتی مختلفی که تحت کنترل آن

قرار دارند متأثر می‌شوند. یکی از این عوامل مهم که در تحقیق وی اثبات شده، مشکلات سلامتی و

جسمانی بزرگسالان می‌باشد.

همانگونه که در بحث ویژگی‌های بزرگسالان ذکر شد قدرت بینایی و شنوایی بزرگسالان بعد از سن

چهل سالگی کاهش می‌یابد. در نتیجه بزرگسالان جهت شنیدن و دیدن به زمان طولانی‌تری نیاز دارد.

همچنین سرعت واکنش افراد نیز با افزایش سن کاهش می‌یابد. در نتیجه این افراد برای نگرستن از تخته به

کتابچه و کتاب و شنیدن صدای معلّم و تمرکز روی آنها به زمان طولانی‌تری نیاز دارند.

اطلاع از این امر از آن رو برای آموزشیاران اهمیّت دارد که ناتوانی سوادآموزان در دیدن و شنیدن،

دردها و ناراحتی‌های جسمانی که با افزایش سن بیشتر می‌شود، تأثیر زیادی در کاهش میزان اعتماد به نفس

آنان دارد. در نتیجه هنگام انتخاب روش تدریس، آموزشیاران باید به نکات فوق توجه داشته باشند و در

حقیقت روشهای تدریس سوادآموزان باید با در نظر گرفتن ناتوانی‌های آنها انتخاب شود.

<sup>۳</sup> رجوع کنید به فصل دوم، صفحات ۹۳ و ۹۴

متأسفانه در حال حاضر آموزشیاران کمتر به اینگونه ناتوانی‌ها واقف هستند و از همه ی گروه‌های سنی نوسوادان در کلاس درس (از جوانان تا بزرگسالان مسن) انتظار یادگیری یکسانی دارند. این امر موجب می‌شود که بعضی، نوسوادان خود را با نوسوادان جوانتر در همان کلاس مقایسه نموده و با توجه به کهنلت سن و مشکلات جسمانی که دارند، اینگونه تصور کنند که دوره ی یادگیری آنها به پایان رسیده و دیگر قادر به خواندن و نوشتن نیستند و در نتیجه به تدریج دست از یادگیری می‌کشند.

پس شناخت دقیق ویژگی‌های بزرگسالان خصوصاً در مورد زنان با شرایط فیزیکی خاصی که دارند (مانند تغییرات هورمونی بعد از چهل سالگی و پوکی استخوان و عوارض ناشی از آن) برای هر آموزش‌یاری که با بزرگسالان سروکار دارد امری ضروری به نظر می‌رسد.

**۳-۲-۵) سؤال سوم تحقیق:** آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد (سوادآموزان) و آموزشیاران و راهنمایان (عملیاتی) درباره ی عوامل اقتصادی مؤثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون  $t$  گروه‌های مستقل و سطح معناداری  $p < 0/001$  مشخص شد بین دو گروه نمونه تحقیق در مقوله ی عوامل اقتصادی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد. بدین معنی که مؤلفه‌های عوامل اقتصادی از قبیل: کمبود درآمد، جابجایی مداوم محل سکونت که اغلب به دلیل اجاره نشینی می‌باشد، در کاهش انگیزه و در نتیجه در عدم ماندگاری سوادآموزان دوره مقدماتی در کلاس درس تأثیر دارد.

این امر از دیدگاه سوادآموزان به طور میانگین (۷/۳۶ درصد) و از دیدگاه آموزشیاران و راهنمایان نیز به طور میانگین (۴/۸۶ درصد) می‌باشد. تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد از نظر سوادآموزان، کمبود درآمد خانواده و مشکلات ناشی از آن و اجاره نشینی و به دنبال آن جابجایی مداوم محل سکونت و منزل در عدم ماندگاری آنها در کلاس درس تأثیر می‌گذارد. آموزشیاران دروه ی مقدماتی و راهنمایی تعلیماتی عوامل فوق را کمتر در این امر دخیل می‌دانند.

در تأیید عوامل فوق لازم به ذکر است که محمدی<sup>۴</sup> در تحقیق خود، ضعف بنیّه ی مالی سوادآموزان را در عدم شرکت بزرگسالان بیسواد در کلاس‌ها دخیل می‌داند. محمد علیزاده مشکلات مالی (۷۹ درصد) بیسوادان را جزء اولویّت اول در عدم استقبال بیسودان از کلاس‌های نهضت سوادآموزی عنوان می‌کند.

جعفری در تحقیق خود از جمله عوامل رجعت به بیسوادی سوادآموختگان را عامل اقتصادی می‌داند. در تحقیق خدایار<sup>۵</sup> رابطه معناداری بین میزان درآمد خانواده، وضعیّت استخدامی، ساعات زیاد فعالیت شغلی سوادآموزان و مردودی آنان دیده شده است.

۱- رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۳

۲- رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۴

در نظرسنجی که در استان خراسان شمالی در سال ۸۵ صورت گرفته عنوان شده است: فقر اقتصادی، محرومیت و کمی درآمد از جمله عوامل ماندگاری بیسوادی در روستای این استان می‌باشد. در جای دیگر نتایج تحقیق کشاورز معتمدی<sup>۶</sup> (۱۳۷۸)، حکایت از آن دارد که نیاز شغلی و به دنبال آن، آگاهی پیرامون شغل مربوطه و موفقیت در کار باعث جذب و نگهداری سوادآموزان در کلاس‌ها می‌شود. نتیجه‌ی فوق به این امر اشاره می‌کند که در برخی موارد بزرگسالان بیسواد شاغل در دستگاه‌های دولتی جهت استخدام در آن دستگاه که به حداقل مدرک پنجم ابتدایی نیاز است، مجبور می‌شوند در کلاس‌های نهضت ثبت نام کنند و مشغول تحصیل شوند. این امر در جامعه‌ی ما بیشتر در مورد مردان مصداق پیدا می‌کند، ولی در مورد زنان که تعداد شاغلین این گروه کمتر از مردان است، شخصی یا سازمانی آنها را مجبور به شرکت در کلاس‌های نهضت نمی‌کند. چه بسا که شوهران یا ولی‌ آنان، در برخی موارد حتی شرکت آنها را در کلاس سوادآموزی را ممنوع می‌کنند. متأسفانه در جامعه‌ی ما خانواده‌هایی که دچار فقر اقتصادی می‌شوند، اولین راه صرفه‌جویی در مصارف خانگی را، صرفه‌جویی در امور فرهنگی و آموزشی می‌بینند. بخصوص زنان و دختران در این میان بیش از پسرها قربانی فقر اقتصادی خانواده می‌شوند. در نتیجه خانواده تحصیل دختران و زنان را امری پر هزینه و بی‌فایده و بدون بازدهی اقتصادی می‌بینند و بالاخره جهت صرفه‌جویی در مصارف اقتصادی منزل آسان‌ترین راه حل را محروم کردن فرزندانشان بخصوص دختران از تحصیل می‌دانند.

توجیه والدین و شوهران در این امر نیاز به آموزش خانواده‌ها دارد. به گونه‌ای که از طریق رسانه‌های گروهی خانواده‌ها و بخصوص مردان تفهیم شوند که زنان آموزش دیده می‌توانند حداقل از طریق کسب مهارت برای خود، خانواده و جامعه‌ی شان به عنصری مفید تبدیل شوند و در زندگی شغلی، اجتماعی و اقتصادی به عامل ایجاد تحولات اجتماعی و اقتصادی جامعه مبدل گردند. از قبیل: رسیدگی به امور تحصیل فرزندان و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنها، صرفه‌جویی بهتر در مصارف خانواده و رعایت برنامه تنظیم خانواده.

**۵-۲-۴) سؤال چهارم تحقیق:** آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد (سوادآموزان) و (آموزشیاران و راهنمایان تعلیمات) درباره عوامل فرهنگی مؤثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟ با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون  $t$  گروه‌های مستقل و سطح معناداری  $p < 0/001$  مشخص شد که بین دو گروه نمونه تحقیق در مقوله عوامل فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد.

بدین معنی که مؤلفه‌های عوامل فرهنگی از قبیل: بی‌فایده و غیرضروری دانستن درس خواندن و سوادآموزی، ترس و خجالت از تمسخر اطرافیان و داشتن لهجه و ناتوانی در تکلم به زبان فارسی (و ترس از صحبت کردن به زبان فارسی در میان جمع) در عدم ماندگاری بیشتر سوادآموزان دوره مقدماتی در

<sup>۶</sup> - رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۴

کلاس درس از دیدگاه سوادآموزان به طور میانگین (۱۴/۸۲۵ درصد) و از دیدگاه آموزشیاران و راهنمایان نیز به طور میانگین (۱۲/۳۲ درصد) تأثیر دارد. همانطور که تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد گروه سوادآموزان به مشکلات ناشی از عوامل فرهنگی در عدم ماندگاری سوادآموزان بیش از آموزشیاران تأکید دارند و آموزشیاران و راهنمایان عوامل اشاره شده در فوق را کمتر در این امر دخیل می‌دانند.

مشکلات فرهنگی بخصوص مشکلات ناشی از ناتوانی در تکلم به زبان فارسی در تحقیقات بسیاری از پژوهشگران به اثبات رسیده از جمله در تحقیق: تبریزی، محمدی، جعفری و خدایار، مسائلی چون: داشتن لهجه و عدم توانایی در تکلم به زبان فارسی، عدم آگاهی از فوائد سواد و بی‌ارزش شمردن آن، خصوصیات فرهنگی و اجتماعی سوادآموزان و خصوصیات قومی و محلی (مانند ازدواج و بچه‌دار شدن زود هنگام دختران و یا اینکه تحصیل را فقط مختص پسران می‌دانند) از جمله عوامل مؤثر بر عدم شرکت بزرگسالان بیسواد در کلاس‌های سوادآموزی گزارش کرده‌اند.

شهر تهران از جمله شهرهای مهاجر پذیر کشور می‌باشد. از قومیتها، زبانها و لهجه‌های مختلف در آن ساکنند. معمولاً وقتی سوادآموزانی با این تفاوتها در کلاس حاضر می‌شوند درک مطالب و گفتگو به زبان فارسی با مشکلاتی مواجه می‌شوند. چرا که بنابر گزارش یونسکو یکی از اثرات محرومیت و انزوای نسبی زنان درمقایسه با مردان این است که آنها تماس کمتری با زبانهای دیگر، غیر از زبان مادری خود دارند. بخصوص هنگامی که آموزش سواد با زبان دوم مثل زبان فارسی تدریس شود، که این امر مشکلی فوق‌العاده خصوصاً در دوره مقدماتی ایجاد می‌کند.

نوسوادان دوره ی مقدماتی وقتی می‌بینند قادر به درک و تکلم به زبان فارسی در کلاس نیستند و مورد بی‌مهری و تمسخر همکلاسیها و یا آموزشیار کم تجربه ی خود قرار می‌گیرند. به تدریج نسبت به یادگیری دلسرد شده و راحت‌ترین راه حل را در ترک کلاس درس می‌دانند.

متأسفانه در جامعه ی ما درس خواندن و یادگیری را صرفاً مختص کودکان و جوانان می‌دانند و درس خواندن و مدرسه رفتن در سنین بزرگسالی یا میانسالی معمولاً متداول نیست و اگر بزرگسالی (بخصوص اگر بیسواد هم باشد) قصد چنین عملی را داشته باشد، با تمسخر و شماتت اطرافیان مواجه می‌شود و باز هم در این میان، به راحتی کلاس درس را رها می‌کند.

جهت رفع چنین مشکلاتی بدون شک نیاز به فرهنگ سازی توسط رسانه ها و نهضت سوادآموزی احساس می‌شود. در جامعه‌ایی که شعار آن « ز گهواره تا گور تا دانش بجوی» می‌باشد، باز هم شاهد آن هستیم که عده ی بیشماری از بزرگسالان بیسواد به دلیل ترس از تمسخر دیگران و بی‌فایده و بی‌ارزش انگاشتن سواد و علم، یا از ابتدا قدم در راه سوادآموزی نمی‌گذارند و یا در نیمه ی راه، ناامیدانه، شرمگین و بی‌نتیجه آن را رها می‌کنند.

۵-۲-۵) سؤال پنجم تحقیق: آیا تفاوتی بین نظر دو گروه افراد (سوادآموزان) و آموزشیاران و راهنمایان (تعلیماتی) درباره عوامل آموزشی مؤثر در نگهداری زنان سوادآموز دوره مقدماتی وجود دارد؟ با توجه به نتایج حاصله از آزمون  $t$  گروه های مستقل و سطح معناداری  $p < 0/001$  [جدول ۴-۱۲ و نمودار ۴-۵] مشخص شد که بین دو گروه نمونه ی تحقیق در مقوله عوامل آموزشی تفاوت معناداری از لحاظ آماری وجود دارد.

بدین معنی که مؤلفه های عوامل آموزشی از قبیل نحوه ی کلاسداری و رفتار و برخورد آموزشیار دوره مقدماتی، وسایل و تجهیزات کمک آموزشی، محیط داخل کلاس، طول مدت دوره ی آموزشی، تعداد کتب درسی، ارتباط محتوای کتب بازندگی سوادآموزان، درک کتب درسی، همکاری مدیر و سرایدار مدرسه با سوادآموزان و آموزشیاران، در ماندگاری یا عدم ماندگاری بیشتر سوادآموزان دوره ی مقدماتی در کلاس از دیدگاه سوادآموزان به طور میانگین (۶۱/۲۷ درصد) و از دیدگاه آموزشیاران و راهنمایان نیز به طور میانگین (۵۷/۲۹ درصد) تأثیر دارد.

همانطور که تفاوت میانگین ها نشان می دهد گروه سوادآموزان به مشکلات ناشی از عوامل آموزشی در عدم ماندگاری بیش از آموزشیاران و راهنمایان تأکید دارند و آموزشیاران و راهنمایان عوامل اشاره شده در فوق را کمتر در این امر دخیل می دانند .

به نظر می رسد عوامل آموزشی نهضت سوادآموزی تأثیر زیادی در نگهداری یا عدم نگهداری سوادآموزان و حتی آموزشیاران و راهنمایان داشته باشد. تأثیر عوامل آموزشی در نتایج تحقیقات بسیاری از محققین داخلی و خارجی مشاهده شده است.

به طور مثال، نتایج تحقیق تبریزی، محمدی، مظفری و خدایار<sup>۷</sup> نشان می دهد که بین عوامل آموزشی (درون سازمانی) نهضت سوادآموزی از قبیل: روش جذب سواد آموز به کلاس، تشکیل نشدن کلاس در محل سکونت سوادآموزان یا به عبارتی فاصله ی زیاد منزل تا محل تشکیل کلاس، عدم رغبت آموزشیاران به تشکیل کلاس دوره مقدماتی (به دلیل وجود مشکلاتی از قبیل مراجعه ی آموزشیار به درب منزل بیسوادان و توجیه شخص بیسواد و خانواده وی)، نامناسب بودن زمان برگزاری کلاس درس، کم تجربه بودن آموزشیار، حجم زیاد کتب درسی و کوتاه بودن طول دوره ی آموزشی، با عدم شرکت و افت تحصیلی و عدم ماندگاری بزرگسالان بیسواد دوره ی مقدماتی رابطه ی معناداری وجود دارد. البته در تحقیق محمدی عامل تأثیر کمبود جذابیت کلاس درس در این امر تأیید نشده است. همچنین در نظر سنجی که در استان خراسان شمالی<sup>۸</sup> صورت گرفت عوامل بدی راههای روستایی و نبود امکان رفت و آمد سوادآموزان، نبود امنیت شغلی و روانی برای آموزشیاران، ناهماهنگی و نبود حمایت از سوی دستگاه های استان، کمبود اعتبار

<sup>۷</sup> رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۴

<sup>۸</sup> - رجوع کنید به صفحه ۹۵

برای گسترش فعالیت نهضت سوادآموزی و وجود اقوام مختلف از جمله عشایر، از عوامل ماندگاری بیسوادی در روستاهای استان خراسان شمالی گزارش شده است.

در تأیید یافته‌های فوق شایسته است به نتایج چند تحقیق دیگر اشاره کنیم.

هاتکینز (۲۰۰۰)، رایس و گاکا<sup>۹</sup> (۲۰۰۱)، در فرآیند نگهداری سوادآموزان به استفاده از رسانه‌ها و پوستر در کلاس درس سوادآموزان اشاره می‌کنند. همچنین تأکید دارند که محتوا و اهداف یادگیری باید بر پایه‌های نیازهای سوادآموزان باشد در غیر این صورت علاقه آنها به یادگیری کاهش می‌یابد. همچنین ارتباط درست و مطلوب بین سوادآموز و آموزشیار و استفاده از یادگیری گروهی مورد تأکید و اصرار محققین فوق می‌باشد. کامینگز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۹)، یکی از راه‌های نگهداری سوادآموزان را جهت دهی به بزرگسالان عنوان نموده است.

وقتی سئوالات پرسشنامه ی تحقیق حاضر را مورد بررسی قرار می دهیم، بسیاری از سوادآموزان و آموزشیاران، متفق هستند که ارتباط صحیح بین فراگیر و آموزشیار، بکار بردن تکنیک‌های مختلف روش تدریس توسط آموزشیار در کلاس درس مثل کار عملی و گروهی و ایجاد انگیزه و هدف برای سوادآموز و آموزشیار می تواند در نگهداری سوادآموزان در کلاس مؤثر واقع شود. امری که در تحقیقات پژوهشگران فوق تأیید شده است.

از میان عوامل پنج گانه تحقیق، دو گروه آزمودنی به ترتیب به عوامل آموزشی، خانوادگی، جسمانی، فرهنگی و اقتصادی اشاره نمودند. همانطور که اشاره شد دو گروه آزمودنی در سئوالات پرسشنامه (سئوالات ۵ گزینه‌ای و سؤال باز پاسخ)، عوامل آموزشی را مهمترین عامل در نگهداری سوادآموزان دوره ی مقدماتی می دانند.

گروه سوادآموزان عنوان کرده‌اند که نحوه ی برخورد آموزشیار با سوادآموز، مطالب درسی مرتبط با زندگی آنها، محیط مناسب کلاس درس (مثل سرما و گرمای مناسب، میز و صندلی مناسب)، جذاب بودن کلاس و کتب درسی، روش تدریس مناسب آموزشیار، غیبت نکردن پی‌در پی آموزشیار از کلاس، داشتن صبر و حوصله و تفهیم مطالب درسی به آنها، مقایسه نکردن سوادآموزان با یکدیگر، ایجاد انگیزه و هدف در سوادآموزان، ساعات تشکیل مناسب کلاس درس و همکاری مناسب سرایدار و مدیر مدرسه با آنها در ماندگاری شان در کلاس درس تأثیر مثبتی خواهد گذاشت.

آموزشیاران علاوه بر موارد بالا، اضافه کردند که یکی از موارد مهمی که باعث عدم ماندگاری سوادآموزان در طول دوره ی تحصیلی می شود این است که بیسوادان در هنگام ثبت نام هیچگونه تعهد و اجباری در قبال ثبت نام و اتمام دوره تحصیلی شان ندارند و به راحتی آن را ترک می کنند. (مناسب است

<sup>۹</sup> رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۷

<sup>۱۰</sup> رجوع کنید به فصل دوم صفحه ۹۹

نهضت سوادآموزی در این خصوص راهکاری مناسب اتخاذ نماید). همچنین آموزشیاران ناکافی بودن حقوقشان، تبعیض قائل شدن بین معلمان نهضت سوادآموزی و معلمان آموزش و پرورش و نداشتن امنیت شغلی خود را دلیلی بر نداشتن انگیزه ی کافی جهت تلاش بیشتر در شغل خود عنوان نموده‌اند.

مشکلات اشاره شده توسط هر دو گروه نمونه ی تحقیق که در فوق به آن اشاره شد عواملی هستند که می تواند با برنامه‌ریزی درست توسط برنامه‌ریزان آموزش بزرگسالان و نهضت سوادآموزی موجب دلگرمی و ماندگاری بیشتر آموزشیاران دوره مقدماتی، راهنمایان و سوادآموزان در کلاس می‌شود.

### پیشنهادها و ارائه ی چند راهکار عملی:

با توجه به یافته‌های بدست آمده از تحقیق پیشنهادها و راهکارهایی به مسئولین و پژوهشگران ارائه می‌شود، پیشنهادها حتی المقدور سعی شده به صورت کاربردی باشند؛ از جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- پیشنهاد می‌شود قانون آموزش ابتدایی اجباری به عنوان یکی از راه‌های مهم مقابله با بیسوادی در جامعه گسترش یابد. چرا که هر ساله به تعداد کودکان بازمانده از تحصیل به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و عدم امکانات آموزشی افزوده می‌شود، و این کودکان به مرور به افراد بزرگسال بیسواد تبدیل می‌شوند. پس به نظر می‌رسد یکی از راه‌حل‌های مفید جهت ریشه‌کنی بیسوادی، اجرای دقیق و صحیح طرح آموزش ابتدایی اجباری باشد.
- ۲- آموزشیاران در انتخاب روش تدریس، شرایط ذهنی و موقعیت فردی، اجتماعی و شغلی بزرگسالان بیسواد را مد نظر قرار دهند. چرا که توجه به شرایط جسمی، ذهنی، عاطفی، شغلی و تجارب و اطلاعات گذشته ی سوادآموزان به خصوص توجه به جنسیت آنها یکی از مسائل مهم در آموزش یادگیری و نگهداری بزرگسالان در کلاس درس بشمار می‌شود.
- ۳- برنامه‌ها و اهداف آموزش سواد آموزی زنان بگونه‌ای طرح‌ریزی شود که با توجه به جو اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی رایج در جامعه، قابلیت تغییر و تطبیق را داشته باشد. (این برنامه‌ها و اهداف هر پنج سال یکبار با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، می‌تواند تغییر کند).
- ۴- توجه به افزایش کارایی آموزشیاران دوره ی مقدماتی، که به نظر می‌رسد به دو طریق ممکن است صورت گیرد: ۱- از بعد آموزشی؛ مانند: تشکیل دوره‌های آموزش ضمن خدمت مستمر جهت بالا بردن توان علمی آموزشیاران. ۲- از بعد اقتصادی؛ مانند ایجاد امنیت شغلی بیشتر از طریق افزایش حقوق و مزایا، ارتقاء شغلی و حتی در صورت ممکن تغییر در وضعیت استخدامی نهضت سوادآموزی جهت استخدام آموزشیاران و راهنمایان. قائل شدن چنین مزایایی برای آموزشیاران بدون شک در آنها انگیزه و علاقه ی بیشتری در شغلشان ایجاد می‌کند.

- ۵- آموزشیاران باید سوادآموزان را به یادگیری از یکدیگر و کارگروهی تشویق نمایند. و تلاش کنند سوادآموزان هر دوره، خصوصاً دوره ی مقدماتی که در ابتدای راه هستند با سوادآموزان دوره ی قبل که موفق به اتمام آن شده‌اند مشارکت و مراوده داشته باشند. زیرا سوادآموزان دوره‌های بالاتر می‌توانند در آنها ایجاد انگیزه کنند و در این صورت بر ماندگاری آنها در کلاس تاثیر مثبتی خواهد داشت.
- ۶- نیازسنجی از سوادآموزان، آموزشیاران و راهنمایان جهت گنجاندن مطالب درسی مفید و کاربردی در کتب درسی سوادآموزان. چرا که مطالب خواندنی که در دسترس است، معمولاً مطابق با نیازها و علایق سوادآموزان خصوصاً زنان طرح‌ریزی نمی‌شود. پس همکاری نزدیک و مشترک نوسوادانی که در ابتدای راه هستند و برنامه‌ریزان، در تهیه و تدوین مطالب و مواد سوادآموزی بسیار حیاتی است. محتوا و مواد آموزشی باید متنوع باشد و برای هر گروه شغلی، سنی و جنسی و شهری یا روستایی مواد جداگانه‌ای باید تدارکات دیده شود. چنانچه به این موارد توجه نشود و نادیده گرفته شود بدون شک منجر به کاهش علاقه به ادامه یادگیری در فراگیران بزرگسال خواهد شد.
- ۷- طول دوره آموزشی (خصوصاً نیمه ی اول هر سال تحصیلی) طولانی‌تر باشد. تا با توجه به حجم زیاد کتب درسی دوره ی مقدماتی، آموزشیاران بتوانند بطور کامل کتب درسی را به اتمام برسانند.
- ۸- کلاس درس جذابیت بیشتری برای سوادآموزان داشته باشد. چنانچه سوادآموزی موفقیتی در دروس خود کسب می‌کند، با روشهای مناسب مورد تشویق آموزشیار قرار گیرد. به عبارتی روش تشویق و جایزه و برگزاری جشن‌ها در مورد بزرگسالان سوادآموز نیز به نوعی اجرا شود.
- ۹- به مسئولین امر توصیه می‌شود سعی در افزایش پایگاه علم و دانش در جامعه و تأکید و تشویق بر یادگیری سواد و محو بیسوادی در جامعه ی اسلامی و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی بیسوادان بخصوص در مورد زنان داشته باشند. روند فکری افراد جامعه ی ما به نحوی شکل گرفته است که اکثر موارد، برخورداری از موقعیت اقتصادی بهتر مدّ نظر است که لزوماً نیاز به علم و دانش ندارد. این امر متأسفانه به صورت قابل توجهی در افراد شک و تردید ایجاد می‌کند و آنان را نسبت به سوادآموزی بی‌قید می‌سازد. در این زمینه لازم است مسئولین امر به طرق مختلف از جمله به کمک وسایل ارتباط جمعی و همچنین به کمک مبلغین مذهبی، اهمیت آموزش و سواد را در افکار عمومی جامعه القاء نمایند.
- ۱۰- مسئولین امر با کمک رسانه‌های ارتباطی مختلف علاوه بر افزایش پایگاه علم و دانش در نزد آحاد مردم، باید در افکار مردان و والدین، نسبت به سوادآموزی زنان و دختران و رفع تبعیض آموزشی در بین دختران و پسران، تغییراتی ایجاد نمایند و به تاثیرات مثبت آموزش زنان در خانواده و جامعه تأکید نمایند.
- ۱۱- پیشنهاد می‌شود تحقیقی مشابه (البته از دیدگاه‌های مختلف) در تمام استانها در خصوص عوامل مؤثر در نگهداری نوسوادان زن و مرد توسط پژوهشگران علاقه‌مند در این امر صورت پذیرد، تا این عوامل در استانهای مختلف با توجه به شرایط خاصی که دارند شناسایی و در جهت رفع آن، در همان استان اقدامات

لازم توسط نهضت سوادآموزی استان مربوطه صورت گیرد. مانند تحقیقی که در استان خراسان شمالی در سال ۸۵ صورت گرفت. تاکید می‌شود که شایسته است عوامل آموزشی نهضت سوادآموزی (درون سازمانی) به عنوان عواملی مهم و مؤثر در نگهداری سوادآموزان به صورت یک موضوع جداگانه مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

نیز به حساب می‌آید.

#### محدودیت‌های تحقیق :

۱- با توجه به اینکه موضوع تحقیق بررسی مشکلات نگهداری زنان سوادآموز دوره ی مقدماتی می باشد ولی همانطور که در آغاز بیان شد بدلیل آنکه در مراحل اجرای پرسشنامه ،سوادآموزان دوره ی مقدماتی در ابتدای دوره ی تحصیلی بودند ودر آن مرحله قادر به خواندن ونوشتن و تکمیل پرسشنامه نبودند،همچنین از مشکلات دوره ی تحصیلی مقدماتی نیز آگاهی نداشتند، لذا این عوامل باعث شد تا تصمیم گرفته شود پرسشنامه توسط سوادآموزان دوره ی تکمیلی که یک سال بالاتر از سوادآموزان دوره ی مقدماتی هستند وقادربه خواندن ونوشتن ودرک سئوالات می باشند و بامشکلات خاص دوره ی مقدماتی نیز آشنایی دارند تکمیل ونظرخواهی شود.

۲- محدودیت زمان اجرای تحقیق وحجم زیاد پرسشنامه ها،باعث شد تا محقق شخصاً قادر به حضوردر تمام کلاسهای نهضت سوادآموزی نباشد.

عنوان: فرا تحلیل مطالعات در باره علل افت کمی و کیفی سوادآموزان در دوره های سوادآموزی در ایران	
پژوهشگر	سعید معید فر
ناظر	علی ابراهیمیان
سال اجرا	۱۳۸۶

### اهداف پژوهش

۱. شناخت و ارزیابی میزان جامعیت و اعتبار تحقیقات موجود با رویکرد افت کمی و کیفی
۲. جمع بندی و ارائه راهکارهایی برای بهبود پژوهش در آینده برای نهضت سواد آموزی
۳. شناخت میزان اعتبار روش یا روشهای بکار رفته در تحقیقات
۴. شناخت میزان اعتبار چهارچوب مفهومی و عملیاتی بکار رفته در تحقیقات
۵. شناخت میزان اعتبار تکنیک های بکار رفته در تحقیقات
- ۶- طبقه بندی چهارچوب های نظری در زمینه عوامل افت کمی و کیفی سواد آموزان .
- ۷- ارزیابی متغیرهای مورد تاکید در تحقیقات و متغیرهای مشترک مندرج در تحقیقات که تبیین کننده علل افت کمی و کیفی سواد آموزان هستند
- ۸- ارزیابی راهکارهای ارائه شده در تحقیقات برای رفع علل افت کمی و کیفی سواد آموزان
- ۹- ارائه راهکارهایی برای بهبود پژوهش درباره افت کمی و کیفی سواد آموزان در آینده

### سوالات پژوهش

- ۱- تحقیقات انجام شده درباره علل افت کمی و کیفی سواد آموزان در ایران از لحاظ روش تا چه اندازه معتبرند؟
- ۲- تحقیقات انجام شده درباره علل افت سوادآموزان در ایران از چه چهارچوب های مفهومی و عملیاتی استفاده کرده اند؟
- ۳- چهارچوب های مفهومی بکار رفته در این تحقیقات تا چه اندازه از اعتبار علمی برخوردارند؟
- ۴- تکنیک های بکار رفته در این تحقیقات تا چه اندازه درست به کار رفته اند؟
- ۵- تحقیقات انجام شده چه راهبردهای نظری برای تحقیقات آینده دارند؟
- ۶- تحقیقات انجام شده به چه نتایجی کاربردی برای سیاستگذاری و برنامه ریزی دست یافته اند؟
- ۷- مهمترین ضعف های تحقیقات انجام شده در چه بخش ها و موضوعاتی می باشد؟

## روش تحقیق

روش های کلی تحقیق عبارتند از :

۱- مشاهده

۲- آزمایش

۳- تحلیل محتوا

۴- پرسش ( پیمایش)

یافته های پژوهش

• بر اساس گروه بندی انجام شده درباره عناوین تحقیقات انجام شده درباره افت کیفی سواد آموزان ۲۸،۶ درصد توجه خود را به عوامل انگیزشی و ترغیب سواد آموزان به کلاس های درس اختصاص داده اند که می توان استدلال کرد در قسمت های مختلف کشور این نگاه مشترک وجود دارد که مهمترین عامل در علل افت کیفی سواد آموزان نداشتن انگیزه و تمایل بنیادی برای شرکت در کلاس ها و از آن مهمتر نداشتن انگیزه کافی برای ادامه کلاس ها و ترک نکردن کلاس هاست.

در تحقیقات افت کمی ۴ تحقیق از ۱۰ تحقیق انجام شده به علل افت کمی سواد آموزان دوره مقدماتی و ۴ تحقیق نیز به علل افت کمی دوره پنجم بزرگسال یا دوره پایانی اختصاص یافته اختصاص یافته است که نشان دهنده آن است که مساله افت کمی در دوره مقدماتی و پایانی معضل جدی تری است و تحقیقات نیز به آن دو توجه بیشتری داشته اند . بطور ویژه نیز دو درس املا و ریاضی موضوعات مورد بررسی دو تحقیق دیگر بوده است.

• در مورد تحقیقات افت کیفی درجه علمی پژوهشگران از وضعیت قابل قبول تر از تحقیقات افت کمی برخوردار است. در تحقیقات افت کمی مدرک تحصیلی ۶ تن از محققان یا مجریان تحقیق در سطح " کارشناسی " می باشد و در ۴ مورد نیز در تحقیق درباره مدرک تحصیلی محقق یا مجری اطلاعی ثبت نشده است. . این آمار گویای آن است که محققانی که درباره علل افت کمی سواد آموزان دست به تحقیق زده اند اکثرا ( ۶۰ درصد ) از سطح تحصیلی قابل قبولی برخوردار نبوده اند .

• نتایج استخراج شده از تحقیقات افت کیفی نشان می دهد که در استانهایی مانند کردستان ، یزد، کرمان ، اردبیل ، شیراز ، گرگان گویا تحقیقی انجام نشده که لازم است در این استان ها نیز تحقیقات درباره افت کیفی انجام پذیرد.

در مورد تحقیقات افت کمی بجز استان های : گیلان ، کرمان ، کرمانشاه ، همدان ، مرکزی ، اردبیل و آذربایجان شرقی ؛ در دیگر استان ها درباره علل افت کمی سواد آموزان تحقیق انجام نشده که می بایست نسبت به انجام تحقیقات درباره علل افت کمی اهتمام بیشتری در این استان ها صورت گیرد.

• نتایج نشان می دهد که در اکثر تحقیقات انجام شده درباره افت کیفی ( ۸۸،۶ درصد ) ، پیشینه تحقیق بطور توصیفی بررسی شده است و در ۸۲،۹ درصد تحقیقات نیز هیچ ارتباطی میان پیشینه و موضوع تحقیق برقرار نشده است.

در مورد تحقیقات افت کمی نتایج نشان می دهد که در ۵۰ درصد تحقیقات مورد بررسی پیشینه تحقیق بصورت توصیفی بررسی شده و در ۳۰ درصد تحقیقات، پیشینه تحقیق بصورت انتقادی و اشاره به نقاط ضعف و قوت آنها بررسی شده است . در ۲۰ درصد تحقیقات نیز اصولا پیشینه تحقیق وجود نداشته است. و تنها در ۲۰ درصد تحقیقات پیشینه به موضوع تحقیق مرتبط شده است.

• در مورد تعاریف عملیاتی نتایج نشان می دهد که در ۵۷،۱ درصد تحقیقات افت کیفی تعریف عملیاتی مفاهیم وجود نداشته است. عدم وجود تعاریف عملیاتی در بیشتر این تحقیقات ابزار سنجش آنها را غیر قابل بررسی کرده است . و اساسا محققان مشخص نکرده اند که مفاهیم فرضیات یا سوالات تحقیق را به چه طریقی می سنجند.

در تحقیقات افت کمی نتایج نشان می دهد که در ۶۰ درصد تحقیقات مورد بررسی تعاریف عملیاتی مفاهیم تحقیق وجود داشته و در ۴۰ درصد این تحقیقات تعاریف عملیاتی مفاهیم وجود نداشته است. عدم وجود تعاریف عملیاتی در ۴۰ درصد تحقیقات ابزار سنجش آنها را غیر قابل بررسی کرده به شکلی که محققان مشخص نکرده اند مفاهیم شان را به چه طریقی می سنجند. به سخن دیگر محققان از نوعی دانسته شهودی استفاده کرده اند و لزومی ندیده اند مفاهیم فرضیات خود را مشخص و تعریف عملیاتی کنند تا شاخص های سنجش آنها قابل ارزیابی باشد. این یکی از نقیصه های جدی تحقیقات درباره علل افت کمی سواد آموزان می باشد که چون ۴۰ درصد این تحقیقات را شامل می شود باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

• در مورد چهارچوب نظری در تحقیقات افت کیفی گرچه ۱۰۰ درصد تحقیقات حاوی چهارچوب یا بخش نظری بوده اند اما به معنای دقیق کلمه در کمتر موردی می توان چهارچوب نظری سراغ گرفت. در بیشتر موارد سوابق نظری ذیل عنوان چهارچوب وجود دارد. اینکه چهارچوب نظری بطور دقیق در کمتر تحقیق وجود داشته و فرضیات ارتباط منطقی با چهارچوب نظری ندارند و در نتایج هیچ استفاده ای از چهارچوب ها نشده که بیانگر آن است که محققان تلقی درستی از چهارچوب نظری نداشته اند و ما در بیشتر موارد با بخش نظری جدا افتاده در تحقیق مواجه می شویم که بیشتر جنبه تاریخچه پیدا کرده است.

در تحقیقات افت کمی در ۹۰ درصد تحقیقات چهارچوب نظری وجود داشته و تنها در ۱۰ درصد چهارچوب نظری وجود نداشته است. در این مورد نیز مانند تحقیقات افت کیفی چهارچوب نظری به معنای دقیق کلمه در کمتر موردی می توان سراغ گرفت .

• در اکثر موارد ( ۵۱،۴ درصد ) تحقیقات افت کیفی " نظریه آموزش بزرگسالان " نظریه محوری این تحقیقات بوده است.

در تحقیقات افت کمی نیز در ۵۰ درصد تحقیقات " نظریه آموزش بزرگسالان " نظریه محوری تحقیق بوده است.

• در ۸۵،۷ درصد تحقیقات افت کیفی مدل تحلیل وجود ندارد. این شاخص تا اندازه زیادی چک کننده استفاده یا عدم استفاده دقیق و علمی از چهارچوب نظری است . وقتی چهارچوب نظری در قالب مدل تحلیلی به شاخص هایی که قرار است سنجیده شود مرتبط نمی شود ما با گستره ای از اغتشاش مفهومی و تحلیل روبرو می شویم که این تحقیقات را در بر گرفته است. در تحقیقات کمی در هیچ تحقیق مدل تحقیق یافت نشده است.

• در مورد ارتباط فرضیات و چهارچوب نظری در تحقیقات افت کیفی باید گفت در ۲۸،۶ درصد مواردی که در آنها فرضیه وجود داشته نتایج به شرح زیر است : تنها در ۱ تحقیق ( ۲،۹ درصد ) ارتباط دقیق و منطقی میان فرضیات و چهارچوب نظری وجود داشته است بطوری که می توان گفت چهارچوب نظری از فرضیات پشتیبانی می کرده است . در ۴ تحقیق ( ۱۱،۴ درصد ) بطور کلی فرضیات با چهارچوب نظری مرتبط بوده اند اما بطور منطقی و دقیق چهارچوب نظری حمایت کننده فرضیات نبوده است و تنها می توان برداشت کرد که این فرضیات در کلیات در این چهارچوب می گنجند اما محققان دقیقاً مشخص نکرده اند که فرضیاتشان را از کدام بخش از چهارچوب نظری گرفته اند و کدام نظریه حامی فرضیات آنهاست. در ۸ تحقیق ( ۱۴،۳ درصد ) نیز میان فرضیات مطرح شده و چهارچوب نظری ارتباط منطقی وجود نداشته است . یعنی بطور منطقی نمی توان فرضیات را حتی بطور کلی در چهارچوب مطرح شده از سوی محققان گنجاند.

در تحقیقات افت کمی تنها در ۳ تحقیق ( ۳۰ درصد ) ارتباط منطقی میان فرضیات و چهارچوب نظری وجود داشته است بطوری که می توان گفت چهارچوب نظری از فرضیات پشتیبانی می کرده است . در ۳ تحقیق ( ۳۰ درصد ) بطور کلی فرضیات با چهارچوب نظری مرتبط بوده اند اما بطور منطقی و دقیق چهارچوب نظری حمایت کننده فرضیات نبوده است و تنها می توان بطور کلی برداشت کرد که این فرضیات در این چهارچوب می گنجند اما محققان دقیقاً مشخص نکرده اند که فرضیاتشان را از کدام بخش از چهارچوب نظری گرفته اند و کدام نظریه حامی فرضیات آنهاست. در ۲ تحقیق ( ۲۰ درصد ) نیز میان

فرضیات مطرح شده و چهارچوب نظری ارتباط منطقی وجود نداشته است. یعنی بطور منطقی نمی توان فرضیات را حتی بطور کلی در چهارچوب مطرح شده از سوی محققان گنجانند.

• در مورد ارتباط بین سوالات ابزار اندازه گیری و بحث نظری باید گفت در ۴۲،۹ درصد از تحقیقات مورد بررسی سوالات ابزار گردآوری اطلاعات با بحث نظری مرتبط بوده است. در ۴۵،۷ درصد تحقیقات نیز بین سوالات ابزار گردآوری اطلاعات و بحث نظری ارتباط کلی و غیر دقیق وجود داشته است، به شکلی که می توان اظهار کرد که سوالات با بحث نظری بطور غیر دقیق و در کلیات مرتبط است و در ۸،۶ درصد تحقیقات نیز میان سوالات و بحث نظری ارتباط وجود نداشته است.

در تحقیقات افت کمی تنها در ۲ تحقیق سوالات ابزار گردآوری اطلاعات (پرسشنامه) با بحث نظری ارتباط مشخص و دقیقی دارد. در ۶۰ درصد تحقیقات بین سوالات ابزار گردآوری اطلاعات و بحث نظری ارتباط کلی و غیر دقیق وجود داشته است، به شکلی که می توان اظهار کرد که سوالات با بحث نظری بطور غیر دقیق و در کلیات مرتبط است بدین شکل که از لحاظ نظری سوال در قالب چهارچوب قرار می گیرد و اگر شاخص ها دقیق و درست طراحی شوند سوالات قابل استنتاج از این چهارچوب هستند اما بخاطر فقدان حلقه های واسط تنها می توان گفت که محقق بطور شهودی این فرایند را انجام داده و دقیق و مستند نشان نداده که سوالات با کدام بخش از چهارچوب توضیح داده خواهند شد. در یک تحقیق نیز میان سوالات و بحث نظری اساساً هیچ ارتباطی وجود ندارد. چهارچوب چیزی می گوید و سوالات موضوع دیگری را می سنجد. در ۱ تحقیق نیز چهارچوب نظری وجود نداشته است.

• در مورد روش تحقیق بکار رفته در تحقیقات افت کیفی، ۱۰۰ درصد تحقیقات مورد بررسی از روش کمی در پژوهش خود استفاده کرده اند و ۹۱،۴ درصد نیز از پیمایش استفاده کرده اند و هیچ تحقیق که از روشهای کیفی در پژوهش خود استفاده کرده باشد یافت نشد.

در تحقیقات کمی نیز در ۱۰۰ درصد تحقیقات از روش کمی استفاده شده و در ۹۰ درصد از روش پیمایش بهره برده اند.

• در مورد برآورد حجم نمونه در تحقیقات افت کیفی دادهای جداول گویای آنست که در ۶۵،۷ درصد تحقیقات مورد بررسی برآورد حجم نمونه بر اساس روشهای علمی انجام شده است. گرچه در بسیاری از موارد محاسبه در تحقیق وجود ندارد. در ۲۸،۶ درصد نیز برآورد حجم نمونه بر اساس روشهای علمی نیست و محقق هیچ اشاره ای نکرده که بر چه اساسی تعداد خاصی را بعنوان نمونه انتخاب کرده است. در ۵،۷ درصد موارد نیز محققان اذعان کرده اند که به تمام شماری جامعه آماری خود دست زده اند بنابراین نیاز به نمونه گیری وجود نداشته است.

در تحقیقات افت کمی تنها در ۳۰ درصد تحقیقات مورد بررسی (۳ مورد) برآورد حجم نمونه بر اساس روشهای علمی انجام شده است. و در ۷۰ درصد تحقیقات برآورد حجم نمونه بر اساس روشهای علمی نیست و محقق هیچ اشاره ای نکرده که بر چه اساسی تعداد خاصی را بعنوان نمونه انتخاب کرده است. این مساله اساساً تعمیم نتایج این دسته از تحقیقات را بی اعتبار می سازد. اگر حجم نمونه گویای اکثر خصوصیات جامعه نباشد و نتواند کلیات ویژگیهای جامعه را نشان دهد از نظر اعتبار، نتایج تحقیق زیر سوال خواهد بود. توجه به این مساله باعث می شود که اصولاً در نتایج این تحقیقات بطور جدی با تردید نگریسته شود.

• در مورد بررسی روایی و پایایی تحقیقات افت کیفی داده های جداول نشان می دهد که در ۷۷،۱ درصد تحقیقات مورد بررسی هم روایی و هم پایایی ابزار اندازه گیری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در ۱۷،۱ درصد تحقیقات نیز هیچ گونه اشاره ای به بررسی روایی و پایایی ابزار نشده است. در ۵،۷ درصد از تحقیقات نیز تنها روایی ابزار مورد بررسی قرار گرفته است.

در تحقیقات افت کمی در ۸۰ درصد تحقیقات مورد بررسی، روایی و پایایی ابزار اندازه گیری مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. تنها در دو تحقیق روایی و پایایی ابزار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این مساله به همراه عدم استفاده از روشهای علمی نمونه گیری نتایج این تحقیقات را به شکل جدی با ابهام و تردید مواجه می کند. لزوم تست ابزار گرد آوری اطلاعات موضوعی است که جایگاه بسیار برجسته ای در ادبیات روش تحقیق دارد. بدون تست اعتبار و روایی اصولاً نمی توان از صحت ابزار گرد آوری اطلاعات اطمینان حاصل کرد.

• در مورد آماره های بکار رفته در تحقیقات افت کیفی داده های جداول نشان می دهد که مهمترین آماره استنباطی بکار رفته آماره کی دو با ۴۲،۸ درصد (جمع درصد های اولویت اول و دوم) می باشد. کاربرد آماره استنباطی کی دو نشان می دهد که سطح سنجش متغیرها در سطوح پایین از نظر آماری است و محققان نتوانسته اند هم مدل تحلیل علی پیچیده ای طراحی کنند تا بتوانند از آماره های پیچیده تری نیز برای تحلیل بهره ببرند. این ضعف بیشتر از هر چیز به ضعف در بکاربردن چهارچوب نظری باز می گردد.

در بیشتر تحقیقات مربوط به علل افت کمی سواد آموزان (۴۰ درصد) هیچ گونه تکنیک آماری (آماره استنباطی) بکار برده نشده است. محققان در این تحقیقات از آماره های توصیفی استفاده کرده اند در صورتی که بیشتر تحقیقات فرضیه داشته و در پی تبیین موضوع خود بوده اند که این مسئله خود گویای ضعف محققان در استفاده از آماره های استنباطی است. ۵۰ درصد تحقیقات دیگر از آماره های کی دو (سه تحقیق) و رگرسیون (دو تحقیق) در تحلیل های خود استفاده کرده اند.

• در مورد تناسب تکنیک ها و سطح سنجش متغیرها در تحقیقات افت کیفی داده های جدول نشان می دهد که در ۴۸،۶ درصد تحقیقات مورد بررسی تکنیک های بکار رفته با سطح سنجش متغیرهای تحقیق متناسب بوده است. در ۵،۷ درصد تحقیقات این تکنیک ها بطور متناسب بکار نرفته اند و در ۲،۹ درصد تحقیقات برخی تکنیک ها متناسب و برخی غیر متناسب بکار رفته اند. در ۲۵،۷ درصد تحقیقات بدلیل مشخص نبودن شاخص ها امکان قضاوت صحیح وجود نداشته است.

در تحقیقات افت کمی در ۶۰ درصد تحقیقات مورد بررسی تکنیک های بکار رفته با سطح سنجش متغیرهای تحقیق متناسب بوده است. در ۴۰ درصد تحقیقات نیز هیچ گونه آماره استنباطی بکار گرفته نشده است.

• در مورد معرفی دستاوردهای نوین تحقیق در تحقیقات افت کیفی جداول نشان می دهد که در ۸،۶ درصد تحقیقات مورد بررسی محققان به معرفی دستاوردهای نوین تحقیقاتی خود پرداخته اند و در ۹۱،۴ درصد تحقیقات دستاوردهای نوین مطرح نشده اند. لازم به ذکر است که منظور از دستاوردهای نوین تحقیقاتی، نتایج تحقیق نبوده است. همه تحقیقات به نتایجی دست یافته اند؛ یا به سوالات خود پاسخ خاصی داده اند و یا به رد یا اثبات فرضیات خود بر اساس داده ها دست زده اند که در بخش مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از دستاوردهای نوین، نکات یا نتایجی بوده است که محقق علاوه بر نتایج آن را بعنوان نتیجه ای مهم و قابل توجه در بخش خاصی طرح کرده باشد و به نظر او نتیجه ای باشد که در تحقیقات گذشته یا در مباحث نظری مربوط به موضوع مورد اشاره قرار نگرفته است. دستاوردهای نوین تحقیقات افت کیفی شامل:

- آگاهی آموزشیاران و راهنمایان از طرح خواندن با خانواده خوب بوده اما سواد آموزان آگاهی کمی داشته اند

- استفاده از برنامه ریزی تلفیقی در مراکز محلی

- مدیران شهری و روستایی در میزان مشارکت مانند هم عمل نمی کنند مدیران روستایی بهتر عمل می کنند

همچنین در هیچ یکی از تحقیقات افت کمی دستاوردهای نوین تحقیق معرفی نشده است.

• در مورد پیشنهادات پژوهشی جداول نشان می دهد که در ۶۵،۷ درصد تحقیقات مورد بررسی پیشنهاد یا پیشنهادات علمی - پژوهشی مطرح شده و در ۳۴،۳ درصد از تحقیقات هیچ گونه پیشنهاد علمی - پژوهشی مطرح نشده است. مهمترین پیشنهادات پژوهشی در گروه بندی سه گانه زیر قرار گرفته اند:

- پژوهش درباره روشهای نوین تدریس، طرح های نوین آموزشی و ارتقای تحصیلی

- نیازسنجی از سواد آموزان و توجه به عوامل انگیزشی

- یازسنجی از آموزشیاران نهضت و عوامل انگیزشی و ساختار سازمانی نهضت

در تحقیقات افت کمی در ۵۰ درصد پیشنهاد یا پیشنهادات علمی - پژوهشی مطرح شده و در ۵۰ درصد دیگر این نوع پیشنهادات مطرح نشده است. مهمترین پیشنهادات پژوهشی این تحقیقات عبارتند از: تحقیق درباره تجدید نظر در محتوی کتب درسی و کاربردی تر کردن آنها برای سواد آموزان تحقیق درباره رضایت شغلی آموزشیاران و توجه به بالا بردن علاقمندی آنها

• در مورد بررسی پیشنهادات کاربردی در تحقیقات افت کیفی جدول نشان میدهند که در ۹۷،۱ درصد تحقیقات مورد بررسی پیشنهادات کاربردی مطرح شده اند و تنها در ۲،۹ درصد تحقیقات پیشنهادات کاربردی مطرح نشده است .

- استفاده از روشهای نوین تدریس، انعطاف پذیری در کلاس ها و کتب درسی  
 - اطلاع رسانی و تبلیغات درباره لزوم سواد آموزی و افزایش آگاهی  
 - توجه به عوامل انگیزشی و جنبه های گوناگون ترغیب به سواد آموزی  
 - استفاده از آموزشیاران متخصص، بومی و ارتقای سطح علمی آنها  
 - تغییر و اصلاح سازمانی نهضت و توجه به ارزشیابی و عوامل انگیزشی برای کارکنان

در مورد تحقیقات افت کمی، در ۱۰۰ درصد موارد پیشنهاد پژوهشی مطرح شده است. جداول نشان می دهد که بیشتر محققان در چهار زمینه به ارائه پیشنهادات کاربردی پرداخته اند که عبارتند از: تجدید نظر در کتب درسی در جهت کاربردی کردن و آسانتر کردن مطالب برای سواد آموزان همگن سازی کلاس ها از نظر سنی ایجاد مهد کودک و کمک مالی به سواد آموزان کم بضاعت بالا بردن سطح آگاهی و توانایی آموزشیاران برای درس دادن به بزرگسالان

• در مورد بررسی سوالات تحقیق در تحقیقات افت کیفی جدول نشان می دهد که بیشتر پاسخ ها به سوالات تحقیق ( چه جاهایی که سوال اصلی وجود داشته و چه جاهایی که مجموعه ای از سوالات وجود داشته ) گرد روشهای نوین تدریس و عوامل انگیزشی سواد آموزان و آموزشیاران نهضت سواد آموزی می چرخد که این پاسخ ها با سطح تحلیل تحقیقات در بخش های مختلف همخوانی دارد . در تحقیقات افت کیفی در میان تحقیقاتی که سوال تحقیق مطرح شده پاسخ به این سوالات در حوزه های گوناگون مطرح شده است . در یک تحقیق مسئله قابل فهم بودن محتوای کتاب ریاضی مطرح شده است که محقق در پایان تحقیق خود اینگونه به آن پاسخ داده که:

- آموزشیاران و سواد آموزان معتقدند در حد متوسط محتوای کتاب ریاضی برای آنها قابل فهم است. بنابراین محتوای کتاب ریاضی نمی تواند مدخلیت زیادی در افت کمی سواد آموزان داشته باشد و باید به عوامل دیگر توجه نشان داد.

در تحقیق دیگری محقق درباره نسبت توانایی آموزشیاران و افت کمی پرسش خود را طراحی کرده است که در پاسخ به سوال خود در انتهای تحقیق نتیجه گرفته است که :

- افزایش دانش و تجربه آموزشیاران با افت تحصیلی رابطه معکوس دارد. به سخن دیگر با بالا رفتن دانش و تجربه آموزشیاران ما با کاهش افت تحصیلی روبروئیم . بنابراین یکی از عوامل بسیار مهم در افت کمی تحصیلی مسئله تجربه و توانایی آموزشیاران است که باید به آن توجه ویژه داشت.

در تحقیق دیگری محقق درباره نسبت سن و اشتغال با مردودی پرسش خود را طراحی کرده است و در پاسخ به سوال تحقیق خود در انتهای تحقیق آورده است :

- بالا بودن سن و اشتغال زیاد از عوامل مردودی به شمار می آید. به سخن دیگر داده ها نشان می دهد که با بالا رفتن سن سواد آموزان مردودی آنها نیز بالا تر رفته است. همچنین هر چه مدت زمان اشتغال سواد آموزان بیشتر شده نسبت مردودی در آنها بالاتر رفته است.

در تحقیق دیگری محقق درباره رابطه نسبت انواع مختلف حافظه و غلط های املائی سوال تحقیق خود را طراحی کرده است و در پاسخ به آن آورده که :

- بیشترین غلط های املائی مربوط به نقص حافظه شنوایی است. به سخن دیگر در آموزش بزرگسالان باید توجه داشت که بالا رفتن سن بیش از هر چیز بر حافظه شنوایی تاثیر می گذارد و نیاز به تکرار بیشتر مطالب احساس میشود.

در تحقیق دیگری نیز محقق سوال تحقیق خود را درباره نسبت میان سابقه خدمت و تجربه کاری آموزشیاران و افت کمی طراحی کرده و در پاسخ به سوال تحقیق خود آورده که :

- سابقه خدمت و تجربه کاری در جلوگیری از افت سواد آموزان موثرند.

• در مورد سطوحی که سوال اصلی در آن سطح مطرح شده در تحقیقات افت کیفی جداول نشان می دهد که ۵۴،۳ درصد تحقیقات مورد بررسی به سوال اصلی یا سوالات تحقیق خود در " سطح فردی - روانشناختی " پاسخ داده اند . در سه مورد ( ۸،۶ درصد ) سطح پاسخ به سوال تحقیق در " سطح مادی " ( تاکید بر وجود یا عدم وجود ساختمان مناسب، جاده و ... ) و در یک مورد ( ۲،۹ درصد ) سطح پاسخ به سوال تحقیق در " سطح فردی - روانشناختی ، سازمانی و مادی " بوده است . در ۳۴،۳ درصد موارد نیز سوال اصلی تحقیق وجود نداشته است .

در مورد تحقیقات افت کمی جداول نشان می دهد که ۵۰ درصد تحقیقات مورد بررسی به سوال اصلی یا سوالات تحقیق خود در " سطح فردی - روانشناختی " پاسخ داده اند . به سخن دیگر محققان تحقیقات علل افت کمی سواد آموزان در پی یافتن علل افت کمی سواد آموزان توجه اصلی شان را بر خصوصیات فردی - روانشناختی سواد آموزان و آموزشیاران متمرکز کرده اند و در این سطح در پی علل می گردند و سطوح

سازمانی و ساختاری بطور کلی نادیده انگاشته شده است. می توان گفت یکی از عللی که تحقیقات درباره علل افت کمی نمی تواند پاسخ درخوری برای افت کمی پیدا کند عدم توجه به سطوح سازمانی، اجتماع محلی و ساختاری است که بسیار ضروری است در تحقیقات آینده توجه ویژه ای به این سطوح مبذول شود.

• در مورد استفاده از چهارچوب نظری در تحلیل نتایج در تحقیقات افت کیفی جداول نشان می دهند که در ۶۵،۷ درصد از تحقیقات مورد بررسی از نظریه های مورد بررسی در چهارچوب نظری برای تحلیل نتایج استفاده نشده است. به سخن دیگر محققان از نظریه های چهارچوب های نظری خود در تحلیل نتایج استنتاج شده از جداول و پرسشنامه ها استفاده نکرده اند و نشان نداده اند که نتایج آنها چه ارتباطی با نظریه های بخش نظری دارد. در ۳۱،۴ درصد تحقیقات نیز محققان از نظریه های چهارچوب نظری در نتایج خود استفاده کرده اند. در یک مورد نیز (۲،۹ درصد) تحقیق چهارچوب نظری نداشته است.

در مورد تحقیقات افت کمی جداول نشان می دهد که در ۹۰ درصد از تحقیقات درباره علل افت کمی سواد آموزان از نظریه های مورد بررسی در چهارچوب نظری برای تحلیل نتایج استفاده نشده است. به سخن دیگر محققان از نظریه های چهارچوب های نظری خود در تحلیل نتایج استنتاج شده از جداول و پرسشنامه ها استفاده نکرده اند و نشان نداده اند که نتایج آنها چه ارتباطی با نظریه های بخش نظری دارد. آیا نتایج آنها تایید کننده دیدگاههای بخش نظرشان است یا رد کننده یا اینکه تحقیق آنها مولفه جدیدی را شناسایی کرده است؟ این مسائل بطور کلی در این تحقیقات مفقود می باشد.

• در مورد تناسب میان چهارچوب و نتایج در تحقیقات افت کیفی جداول نشان می دهند که در ۲۵،۷ درصد تحقیقات مورد بررسی میان چهارچوب نظری تحقیق و نتایج حاصل شده از تحقیق تناسب وجود دارد. در ۷۱،۴ درصد نیز تنها می توان گفت در کلیات میان چهارچوب نظری و نتایج تناسب وجود دارد نه بطور دقیق و مشخص. در یک مورد نیز چهارچوب نظری وجود نداشته است.

این مسئله نشان می دهد که محققان این تحقیقات توجه جدیدی به چهارچوب نظری نداشته اند و بررسی تحقیقات نشان می دهد که چهارچوب های نظری بیشتر به نوعی تاریخچه در نظر محققان تبدیل شده اند و آنها نتوانسته اند ارتباط ارگانیک میان چهارچوب های نظری خود و نتایج خود ایجاد کنند. ارتباط کلی بی که ما در ۷۱،۴ درصد مشاهده کرده ایم به این شکل بوده که می توان گفت این نتایج در این دیدگاه کلان نظری می گنجد در غیر این صورت اصولاً نمی توان از تناسب این بخش هم سخن گفت. بنابراین از نظر ما تنها در ۲۵،۷ درصد به شکل علمی و دقیق چهارچوب نظری و نتایج متناسب بوده اند.

در مورد تحقیقات افت کمی جداول نشان می دهد که تنها در یک تحقیق میان چهارچوب نظری تحقیق و نتایج حاصل شده از تحقیق تناسب دقیق وجود دارد. در یک تحقیق نیز هیچ گونه تناسبی میان نتایج و چهارچوب نظری وجود نداشته است. اما در ۷۰ درصد تحقیقات می توان تلویحا گفت که در کلیات میان نتایج و چهارچوب نظری تناسب وجود دارد و یک تحقیق نیز بدون چهارچوب نظری بوده است. در مورد موانع تحقیق در تحقیقات افت کیفی گروه بندی موانع نشان می دهد که محققان با موانع زیر روبرو بوده اند:

کمبود منابع تحقیقاتی و محدودیت های علمی راجع به ابزار تحقیق

دخالت پرسشگران در جریان تحقیق و عدم اعتماد نمونه های مورد بررسی

موانع اداری ( کم بودن وقت و هزینه از جانب کارفرما، و...)

موانع فیزیکی ( سردی هوا، صعب العبور بودن مناطق و ...)

در مورد تحقیقات افت کمی جداول نشان می دهند که در ۷۰ درصد تحقیقات مورد بررسی درباره علل افت کمی سواد آموزان موانع تحقیق مطرح نشده اند. در تحقیقاتی که موانع مطرح شده اند در درجه اول مشکل دسترسی به سواد آموزان برای سنجش مطرح بوده است. در مرحله دوم عدم وجود زمان و بودجه کافی برای تحقیق مانع محققان ذکر شده است و در مرحله سوم تفکرات سنتی برای سخن گفتن با سواد آموزان زن و مشکل مالی بعنوان موانع تحقیق ذکر شده اند. این موانع ذکر شده برای تحقیقات آینده چندین پیام دارد:

برای دسترسی به سواد آموزان بزرگسال باید تمهیدات بیشتری در نظر گرفت و این آگاهی اولیه را داشت که دست یافتن به بزرگسالان به خاطر درگیری های شغلی و خانوادگی بسیار مشکل تر از دانش آموزان است. بنابراین در طراحی تحقیق به الزامات زمانی و هزینه ای این امر باید توجه کرد. چون تحقیق درباره بزرگسالان اقتضائات خاصی دارد همچون دسترسی دشوار به آنها، شناخت وضعیت اجتماع و خصلت های آنها و غیره باید در طراحی هر تحقیقی زمان بیشتری در نظر گرفت و هزینه های معقولانه تر طراحی کرد. برای تحقیق درباره زنان بخاطر سنتی بودن جامعه بهتر است که از محققان زن در مواجهه با آنها استفاده شود.

## پیشنهادات

پیشنهادات پژوهشی:

الف: پیشنهادات پژوهشی ارائه شده در تحقیقات مورد بررسی در موضوع افت کیفی:

پیشنهادات تفصیلی:

- ۱- انجام پژوهش درباره اثربخشی طرح خواندن با خانواده در سطح ملی
- ۲- انجام پژوهش درباره تاثیر روش بارش مغزی برای سایر دوره های تحصیلی
- ۳- انجام پژوهشهای درباره ریشه کنی بیسوادی
- ۴- بررسی تاثیر رنگ آمیزی کلاس ها در روحیه سواد آموزان
- ۵- بررسی تناسب برنامه های سواد آموزی با نیازها و علایق نوسوادان
- ۶- بررسی راههای عملی استفاده بهینه از ساعات تدریس کلاسی
- ۷- بررسی سالیانه آموزش های ضمن خدمت و ارزیابی آنها
- ۸- بررسی علت بیسواد ماندن سواد آموزان تا سن بزرگسالی در ایران
- ۹- بررسی محتوی دروس کاردانی برای تطبیق با نیازهای حرفه ای آموزشیاران
- ۱۰- بررسی موانع فرصت یادگیری چهره به چهره
- ۱۱- پژوهش درباره ابعاد فنی و تولیدی برنامه های آموزشی از تلویزیون برای سواد آموزان
- ۱۲- پژوهش درباره اثربخشی آموزش های کوتاه مدت بین آموزش پرورش و نهضت
- ۱۳- پژوهش درباره فعالیت های آموزشی و تاثیر ارزشیابی توصیفی
- ۱۴- پژوهش درباره میزان مشارکت مدیران مدارس ابتدائی در جذب سواد آموزان
- ۱۵- پژوهش درباره میزان موفقیت و موانع کلاس های حرفه آموزی و مهارتهای زندگی
- ۱۶- تدوین الگوی مناسب نیازسنجی مهارتهای اساسی زندگی از سواد آموزان
- ۱۷- تهیه طرح جامع در زمینه سنجش نیازهای آموزشی هر استان
- ۱۸- فرا تحلیل پژوهشهای انجام شده در زمینه یادگیری مشارکتی
- ۱۹- پژوهش درباره مدل های مفهومی گوناگون مراکز یادگیری محلی
- ۲۰- مسئله یابی تفاوت علاقه به روش ترکیبی آموزش فارسی بین آموزشیاران با سوابق مختلف
- ۲۱- نیازسنجی از آموزشیاران هر سه سال یکبار

### پیشنهادات گروهبندی شده :

- ۱- پژوهش درباره روشهای نوین تدریس، طرح های نوین آموزشی و ارتقای تحصیلی
- ۲- نیازسنجی از سواد آموزان و توجه به عوامل انگیزشی
- ۳- نیازسنجی از آموزشیاران نهضت و عوامل انگیزشی و ساختار سازمانی نهضت

ب: پیشنهادات پژوهشی ارائه شده در تحقیقات مورد بررسی در موضوع افت کمی:

- ۱- انجام طرح نیازسنجی جهت کاربردی نمودن محتوای کتب

- ۲- تحلیل محتوای کتاب فارسی دوره مقدماتی برای تجدید نظر در آن
- ۳- تحقیق درباره زمان مطلوب فصل کلاسگذاری
- ۴- بررسی رضایت شغلی آموزشیاران نهضت
- ۵- بررسی عمیق تر درباره هماهنگی محتوای کتابهای درسی سالهای مختلف تحصیلی
- ۶- مطالعه درباره میزان توانایی آموزشیاران در تدریس و برقراری ارتباط و
- ۷- بررسی راههای جذب و نگهداری سواد آموزان
- ۸- مطالعه درباره مهارتهای خواندن سواد آموزان
- ۹- در اختیار قرار دادن مواد خواندنی رایگان برای سواد آموزان

#### پیشنهادات پژوهشی فرا تحلیل :

- ۱- بررسی میزان سهم ساختارهای کلان اجتماعی - فرهنگی در تحلیل و تبیین آموزش بزرگسالان و علل افت کمی و کیفی سواد آموزان .
- ۲- بررسی ساختارهای کلان اجتماعی - فرهنگی جامعه معاصر ایران در تحلیل و تبیین علل افت کمی و کیفی سواد آموزان و نهایتا رجعت به بیسوادی.
- ۳- بررسی موضوع علل افت کمی و کیفی سواد آموزان از دیدگاه نظریه های بیگانگی و نظریه های سیستمی در کشورهایی در حال توسعه خصوصا ایران.
- ۴- بررسی مقایسه ای آموزش مداوم برای بزرگسالان در کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته .
- ۵- بررسی چگونگی فعال سازی مکان های فرهنگی در شهرها و روستاهای ایران ( کتابخانه ها ، فرهنگسراها، مساجد، مدارس و ... ) بعنوان مکان های آموزش مداوم.
- ۶- بررسی چگونگی فعال سازی نخبگان ، نویسندگان و روشنفکران سطح ملی، استانی و محلی در ترغیب مردم به آموزش مداوم و بالا بردن سطح فکری و علمی خود.
- ۷- بررسی چگونگی انتقال وظایف سازمان نهضت سواد آموزی به سازمان های غیر دولتی (NGOs)

#### پیشنهادات کاربردی :

الف : پیشنهادات کاربردی ارائه شده در تحقیقات مورد بررسی در موضوع افت کیفی :

#### پیشنهادات تفصیلی :

- ۱- اتخاذ تدابیری برای ارتقاء تحصیلی آموزشیاران
- ۲- ارزشیابی در خصوص آموزش مداوم
- ۳- استفاده از کتب مدنی و اجتماعی و مهارتی برای کتابخوانی

- ۴- استفاده از افراد بومی در مراکز یادگیری محلی
- ۵- استفاده از روش مشارکتی در کلاس های درس
- ۶- استفاده بیشتر از روش بارش مغزی
- ۷- اطلاع رسانی بیشتر درباره آموزش سواد از تلویزیون
- ۸- اطلاع رسانی بیشتر به سواد آموزان درباره طرح خواندن با خانواده
- ۹- افزایش کلاس های مهارت ها و حرفه آموزی
- ۱۰- افزایش دوره های آموزش ضمن خدمت
- ۱۱- انعطاف ایجاد کردن در بخشنامه های اداری برای ظهور خلاقیت ها
- ۱۲- ایجاد برنامه تقویتی علمی برای سواد آموزان
- ۱۳- ایجاد دوره های آموزشی استفاده بهینه از ساعات تدرسی
- ۱۴- ایجاد کلاس های ضمن خدمت برای مدیران مداس ابتدایی برای آشنایی با فعالیت های نهضت
- ۱۵- برگزاری آموزشهای ضمن خدمت ریاضیات برای آموزشیاران
- ۱۶- برگزاری دوره های ضمن خدمت برای آموزشیاران درباره روشهای فعال تدریس
- ۱۷- برگزاری کلاس های ضمن خدمت برای آموزشیاران طرح ارزشیابی توصیفی
- ۱۸- توجه به عواملی بهداشتی خصوصا حقوق و امنیت شغلی آموزشیاران
- ۱۹- تبلیغات بیشتر برای جذب سواد آموزان
- ۲۰- ترکیب آموزشهای حضوری و نیمه حضوری در آموزشهای ضمن خدمت
- ۲۱- تشکیل دوره های آموزشی برای آشنایی آموزشیاران با روش مشارکتی تدریس
- ۲۲- تعیین محتوای جذاب در کتب برای فراگیران
- ۲۳- توسعه مراکز یادگیری آموزشهای پایه
- ۲۴- چاپ بروشور و نشریات در قالب پیام های آموزشی و فرهنگی برای سواد آموزان
- ۲۵- رفع نیازهای کارشناسان به اینترنت ، آموزش تجزیه و تحلیل سیستم ها
- ۲۶- تعلیم روش های تدریس مشارکتی بطور عملی و کاربردی به آموزشیاران
- ۲۷- طرز نشستن سواد آموزان در کلاس ها طوری باشد که نور از سمت چپ بتابد
- ۲۸- کتب طرح خواندن با خانواده برای پنجم بزرگسال تولید شود
- ۲۹- کم کردن ساعات درس
- ۳۰- کمک مالی به خانواده های بیسواد و بی بضاعت
- ۳۱- گسترش حیطه های مهارتهای اساسی زندگی به زمینه های سلامت ، کار آفرینی و ورزش
- ۳۲- طراحی مکانیزم های انگیزشی برای سواد آموزان

- ۳۳- نشریه های آموزشی برای آموزشیاران طراحی و منتشر شود
- ۳۴- وضعیت فیزیکی کلاس ها بهبود یابد
- ۳۵- هدف های توسعه عمرانی هر استان در آموزش تابعی لحاظ شود

### پیشنهادات گروه بندی شده :

- ۱- استفاده از روشهای نوین تدریس، انعطاف پذیری در کلاس ها و کتب درسی
- ۲- اطلاع رسانی و تبلیغات درباره لزوم سواد آموزی و افزایش آگاهی
- ۳- توجه به عوام انگیزشی و جنبه های گوناگون ترغیب به سواد آموزی
- ۴- استفاده از آموزشیاران متخصص، بومی و ارتقای سطح علمی آنها
- ۵- تغییر و اصلاح سازمانی نهضت و توجه به ارزشیابی و عوامل انگیزشی برای کارکنان

### ب : پیشنهادات کاربردی ارائه شده در تحقیقات مورد بررسی در موضوع افت کمی :

- ۱- بازنگری محتوای کتاب ریاضی دوره پایانی
- ۲- تاسیس مرکز آموزش ضمن خدمت آموزشیاران
- ۳- بالا بردن شناخت آموزشیاران از ویژگیهای بزرگسالان سواد آموز
- ۴- تغییر نظام آموزشی نهضت و در نظر گرفتن خصوصیات بزرگسالان
- ۵- بالا بردن انگیزه تحصیلی سواد آموزان از راههای گوناگون
- ۶- آشنا کردن بیشتر سواد آموزان با نمونه سوالهای امتحانی
- ۷- انتخاب راهنمای تعلیماتی کارآمد
- ۸- ایجاد مهد کودک برای مراقبت از فرزندان سواد آموزان
- ۹- اقدام جدی برای تحت پوشش بردن زنان بیسواد
- ۱۰- توجه به تفاوت های فردی سواد آموزان و همگن سازی آنها
- ۱۱- کمک مالی به خانواده های کم بضاعت برای سواد آموزی
- ۱۲- کاربردی کردن آموزش برای زنان بیسواد
- ۱۳- آشنا کردن آموزشیاران با روشهای نوین تدریس ، روانشناسی بزرگسالان و مهارتهای معلمی
- ۱۴- ایجاد تبلیغات درباره جنبه های مثبت سواد آموزی در زندگی اجتماعی
- ۱۵- استفاده از مثال های روزمره در کتاب های ریاضی
- ۱۶- تلاش برای همگون سازی مخاطبین کلاس ها
- ۱۷- تبلیغات وسیع درباره نقش سواد در پیشرفت

- ۱۸- جدا کردن مکانهای امتحانات نهایی بزرگسالان و دانش آموزان
- ۱۹- در ملاک های گزینش آموزشیاران به علاقه و هوش اهمیت داده شود
- ۲۰- کاربردی نمودن سواد برای سواد آموزان
- ۲۱- آموزش صحیح حروف الفبا به سواد آموزان
- ۲۲- ممانعت از حضور مراقبین مرد در جلسات امتحانی بانوان روستایی
- ۲۳- استفاده آموزشیاران از وسایل کمک آموزشی
- ۲۴- استفاده از آموزشیاران با تحصیلات بالاتر برای تدریس ریاضی
- ۲۵- استفاده از افرادی که در زمینه ادبیات تخصص دارند برای درس املا
- ۲۶- تجهیز کلاس ها به امکانات کمک آموزشی

### پیشنهادات کاربردی فراتحلیل :

- ۱- استفاده از محققانی که دارای توانایی نظری عمیقی درباره نظریه های جامعه شناختی ، سازمانی و روانشناسی اجتماعی و همچنین تاریخ مدرن ایران هستند برای انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی در زمینه علل افت کمی و کیفی سواد آموزان و نهایتاً رجعت به بیسوادی .
- ۲- لزوم بررسی انتقادی پیشینه تحقیقات انجام گرفته برای تحقیقات بعدی در زمینه علل افت کمی و کیفی سواد آموزان و گوشزد کردن این امر به محققان استانی
- ۳- توجه به استفاده از روش کیفی در تحقیقات مربوط به افت کمی و کیفی سواد آموزان در کشور تا یکجانبه نگری روشی در این تحقیقات باعث انحراف نتایج نشود.
- ۴- لزوم توجه به مطالعات تطبیقی و سوق دادن مطالعات به سمتی که مقایسه وضعیت ایران در موضوع علل افت کمی و کیفی سواد آموزان بزرگسال را با کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته لحاظ کنند.
- ۵- لزوم حرکت به سمت تحقیقاتی که در طرح های تحقیقاتی شان از مدل های تحلیل علی و دقیق استفاده کنند. این رویکرد باعث می شود تحقیقات از حالت توصیفی صرف که اکنون در بیشتر تحقیقات دیده می شود به سمت تحقیقات تبیینی حرکت کنیم که گام مهمی است در مسئله یابی و استدلال علمی .
- ۶- لزوم استفاده از پرسشگران بیطرف و آموزش دیده در مطالعاتی که ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد.
- ۷- لزوم توجه بیشتر به ارتباط میان چهارچوب های نظری تحقیقات آینده با تعاریف ( نظری و عملیاتی ) ، فرضیات و نتایج .

## محدودیت ها

بر اساس داده های استخراج شده از پرسشنامه معکوس تحقیق در ۴۸،۶ درصد تحقیقات افت کیفی محققان " کمبود منابع تحقیقاتی و محدودیت های علمی راجع به ابزار تحقیق " را در اولویت های سه گانه مهمترین مانع و محدودیت در کار تحقیقاتی خود دانسته اند. این موضوع حاوی این نکته است که درباره افت کیفی هنوز کار جدی بنیادی صورت نگرفته است تا هم از لحاظ نظری چهارچوب های نظری قوی و بومی طراحی شود و هم ابزارهای استاندارد شده ای برای پژوهش در ابعاد گوناگون افت کیفی سواد آموزان شکل گیرد.

در رده بعدی موانع اداری ( کم بودن وقت و هزینه از جانب کارفرما، و...) با ۳۹،۹ درصد قرار دارد که محققان آن را در دومین رده از موانع و محدودیت های خود در اولویت های سه گانه ذکر کرده اند. در ۲۸،۶ درصد تحقیقات افت کیفی، محققان " دخالت پرسشگران در جریان تحقیق و عدم اعتماد نمونه های مورد بررسی " را در سومین رده در اولویت های سه گانه قرار داده اند. این مانع گویای آن است که اولاً تحقیق پیمایشی با جامعه کم سواد توجیه علمی لازم را ندارد و دیگر اینکه استفاده از پرسشگرانی که خود آموزشیار و کارشناسان نهضت سواد آموزی هستند باعث سوء گیری در تحقیق می شود که باید به آن توجه کافی مبذول داشت.

موانع فیزیکی ( سردی هوا، صعب العبور بودن مناطق و ...) نیز با ۲۲،۹ درصد در رده بعدی موانع جای گرفته است.

در مورد تحقیقات افت کمی باید گفت در ۷۰ درصد این تحقیقات موانع تحقیق مطرح نشده اند و در بقیه موارد که موانع مطرح شده اند، موانع اختصاص به عدم دسترسی محقق به سواد آموزان داشته است.

عنوان: نقش ارزشیابی توصیفی در جذب و نگهداری سوادآموزان منطقه ۳ کشور
پژوهشگر علی زلقی
ناظر علی ابراهیمیان
سال اجرا ۱۳۸۶

### اهداف پژوهش

- ۱- بررسی وضعیت فعلی ارزشیابی از آموخته های سوادآموزان منطقه ۳ کشوری
- ۲- بررسی نقش ارزشیابی توصیفی در میزان انگیزش و رغبت تحصیلی سوادآموزان منطقه ۳ کشوری
- ۳- بررسی نقش ارزشیابی توصیفی در میزان علاقه به دروس و آموزشیاران از سوی سوادآموزان منطقه ۳ کشوری
- ۴- بررسی راهکارهای ترقیب سوادآموزان به حفظ و تداوم تحصیل از لحاظ ارزشیابی

### سوالات پژوهش

- ۱- وضعیت فعلی ارزشیابی از آموخته های سوادآموزان منطقه ۳ کشوری چگونه است؟
- ۲- آیا استفاده از ارزشیابی توصیفی از سوی آموزشیاران می تواند سوادآموزان منطقه ۳ کشوری را به ادامه تحصیل ترغیب کند؟
- ۳- سوادآموزان منطقه ۳ کشوری نسبت به اثر بخش بودن ارزشیابی توصیفی در علاقه آنها به دروس چه نگرشی دارند؟
- ۴- سوادآموزان منطقه ۳ کشوری نسبت به اثر بخش بودن ارزشیابی توصیفی در علاقه آنها به آموزشیاران چه نگرشی دارند؟

### روش تحقیق

روش تحقیق روش پیمایشی می باشد. این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع تحقیق غیر آزمایشی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است.

تعریف جامعه، نمونه آماری و روشهای نمونه گیری:

جامعه آماری در این تحقیق را کلیه سوادآموزان زن و مرد منطقه ۳ کشوری (شامل استانهای گیلان، مازندران، خراسان رضوی، خراسان شمالی و چهار محال و بختیاری) که در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به

تدریس اشتغال دارند می باشد. با توجه به اینکه  $N=151041$  می باشد (منبع: سازمان نهضت سواد آموزی) تعداد نمونه با عنایت به فرمول زیر که معادل جدول مورگان و کرجسی است عبارت است از  $n=356$  نفر این تعداد با عنایت به سهم هر استان در نمونه در جدول زیر نمایان شده است.

$$n = \frac{N z^2 P(1-P)}{(N-1)d^2 + z^2 P(1-P)} =$$

تعداد کل نمونه در هر استان- نفر	جمع	استان های منطقه ۳
۳۹	۲۱۷۹۳	گیلان
۶۲	۱۲۲۷۰	مازندران
۲۱۶	۱۰۶۸۳۰	خراسان شمالی و رضوی
۳۹	۱۰۱۴۸	چهرمحال و بختیاری
۱۵۱۰۴۱		جمع
	۱۵۱۰۴۱	تعداد جامعه
	۳۵۶	تعداد نمونه
	۰,۲۵	درصد نمونه از جامعه

در این پژوهش، برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسش نامه استفاده شد که عبارتند از:

۱- پرسش نامه محقق ساخته برای تعیین ویژگی های فردی پاسخگویان و اطلاعاتی نظیر سن، سطح و پایه تحصیلی، شغل و ...

۲- پرسش نامه ای برای تعیین وضعیت فعلی ارزشیابی در منطقه مورد مطالعه:

این پرسش نامه به منظور تعیین اینکه در حال حاضر بیشتر چه نوع ارزشیابی برای ارزیابی آموخته های سوادآموزان استفاده می شود بر اساس انواع ارزشیابی تدوین خواهد شد.

۳- پرسش نامه نهایی تحقیق جهت بررسی نگرش سوادآموزان در مورد اثربخشی استفاده از روش ارزشیابی توصیفی در جذب، نگهداری و ادامه تحصیل برای آنها

در دستورالعمل این پرسش نامه نخست توصیف کلی چگونگی و نحوه ارزشیابی کیفی جهت آشنایی سوادآموزان آمده است. پرسشنامه حاوی سوالاتی است با این مضمون که در صورت استفاده از اینگونه ارزشیابی چه تاثیری بر انگیزه تحصیلی، ادامه تحصیل، نگرانی درمورد امتحان و اشتیاق به تحصیل برای آنها خواهد داشت؟ در این پرسشنامه ۳۵ تا ۴۰ سوال طراحی و در ابتدای تحقیق اعتبار محتوایی و صوری آن با

عنایت به نظر کارشناسان؛ معلمان و اساتید مورد بررسی قرار گرفت. پرسش نامه مورد نظر پس از تدوین اولیه از لحاظ ویژگی های روانسنجی و آزمونسازی مورد ارزیابی آماری جهت استفاده عملی قرار گرفت و ضریب الفای معادل ۰/۸۲٪ برای آن محاسبه شد.

با توجه به اینکه در این زمینه تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است لذا پرسش نامه ای در این زمینه موجود نیست و با این وضعیت، بدیهی است ساخت پرسش نامه بخشی از فعالیت تحقیق خواهد بود لذا محقق طی مرحله اول تحقیق، ابزار مورد نظر را تدوین کرد.

### یافته های پژوهش

همانطور که در فصل دوم گفته شد ارزشیابی توصیفی به عنوان یکی از الگوهای جدید در ارزشیابی در بر دارنده دو نکته مهم است. این نکات عبارتند از یادگیری بهتر و آسایش خیال در ارزشیابی هم از سوی آموزشیار و هم سواد آموز و دیگر، بازخورد حاصل از یادگیری در بحث آموزش بزرگسالان بطوری که در نهایت منجر به بهبود فرایند یادگیری- یاددهی شود.

امروزه اهمیت روش ارزشیابی توصیفی در بزرگسالان به وفور مورد تاکید واقع شده است. شاید برخی از دلایل آن را بتوان فاصله و شکاف بین سن یادگیری با سن قانونی در یادگیری دوره های آموزشی رسمی دانست. موضوع بازخورد نیز با توجه به اهمیت خاص آن در آموزش بزرگسالان از جمله موضوعاتی است که می تواند آثار عمیقی بر نگرش به تداوم یادگیری از سوی این قشر داشته باشد.

در زمینه ارزشیابی توصیفی تقریباً همگام با آموزش و پرورش رسمی در نهضت سواد آموزی نیز به طور آزمایشی در برخی استانها فعالیتهایی آغاز شد که این فعالیتها مشتمل بر آموزش اصول ارزشیابی توصیفی به آموزشیاران و همچنین تقاضا از آنها برای استفاده آزمایشی از این روش برای ارزشیابی سواد آموزان بوده است. آنچه در این تحقیق نمایان است در واقع نیل به بازخورد و آگاهی از روش مورد استفاده یعنی ارزشیابی توصیفی و بررسی تاثیر آن بر هر یک از مولفه های پوشش دهنده حیطه های مرتبط با جذب و نگهداری سوادآموزان است. بر اساس این هدف نیاز به ابزاری برای سنجش این اثر بوده است که به نوعی با زبان و توانمندی سوادآموزان هماهنگ باشد و ضمن سهولت پاسخگویی سواد آموزان، بتواند حیطه های مهمی از اثر بخشی روش را نمایان سازد. ابزار تدوین شده در این تحقیق قابلیت بررسی حیطه هایی از جمله وضعیت فعلی و نقش ارزشیابی توصیفی در علاقه مندی به ادامه تحصیل، علاقه مندی به دروس و علاقه مندی به آموزشیاران را پوشش داده است.

قبل از هرگونه بحث در مورد جایگاه و نقش ارزشیابی توصیفی در نگهداری سواد آموزان باید دو موضوع کلیدی از جمله شرایط و ویژگی های سواد آموزان و همچنین توان و قابلیت های آموزشیاران مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد. تا آنجا که به افراد مربوط باشد، این مساله می تواند قابل کنترل و

وارسی در سطح اجرایی و عملیاتی باشد. اما قابلیت برنامه درسی و امکان انجام ارزشیابی آن می بایست از نظر برنامه ریزان مورد تعمق قرار گیرد. بعنوان مقدمه این قسمت باید گفت تفاوت و تنوع اهداف در هر دوره آموزشی تعیین کننده نسبی راهبرد ارزشیابی بزرگسالان است.

هرگونه بحث در مورد روش ارزشیابی می بایست مبتنی بر اهداف آموزش باشد. این موضوع بالاخص در دوره های آموزش بزرگسالان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برخلاف دوره های آموزش رسمی که در آن اهداف بسیار ریزی ارائه و تعریف شده است، در آموزش بزرگسالان اهداف کلی تر است و هدف های آموزش بیشتر ناظر بر تداوم یادگیری است لذا تعیین شایستگی یادگیران در این دوره بعنوان نتیجه ارزشیابی، با توجه به اهداف می تواند متغیر باشد.

از نظر هرمان و کنیون (۱۹۸۷) شایستگی یعنی داشتن دانش و توسعه دادن مهارت ها و دانش کافی در زندگی و نیل به نگرش و تجارب مناسب برای ایفای موفقیت آمیز نقش در زندگی. ارزشیابی عملکرد سواد آموز به عنوان ملاکی برای تعیین شایستگی از جمله فعالیت های حساس است که لازم است مفروضات زیربنایی و پیشنیازهای آن از سوی آموزشیار با دقت لحاظ گردد.

در بحث ارزشیابی توصیفی به دلیل حساسیت های خاص روش، این نکته باید به طور عملی به آموزشیاران آموزش داده شود. ارزشیابی در حین عمل و نظارت بر عملکرد توام با ارزشیابی از جمله یکی از مهمترین مراحل در ارزشیابی توصیفی است. این موضوع به نوعی با مهارت ها و تخصص آموزشیاران در ارتباط تنگاتنگ است. قطعا مفروضات زیربنایی روش توصیفی بسیار مفصل تر از روش سنتی است. فرایند تلاش از سوی آموزشیار برای تجزیه و تحلیل یک فعالیت (عملکرد حین تحصیل) به اجزای آن بسیار چالش انگیز است. موضوع نگرش های بزرگسالان، سطوح شناختی و شخصیتی آنها از نیاز به آموزش می تواند به شدت عملکرد آنها را تحت تاثیر قرار دهد. عمدتا در دوره های سواد آموزی نگرش ابزاری و اعتقاد به رابطه آموزش و درآمد برخلاف دوره های رسمی کمتر مد نظر است لذا از روش ارزشیابی توصیفی می توان به عنوان وسیله ای برای هدایت و نگهداری سوادآموزان استفاده کرد.

برخی متون، اهداف، جهتگیری و انگیزش بزرگسالان به سوادآموزی را انتظارات خارجی، پیشرفت حرفه ای، رغبت برای شناخت، تمایل به دانستن و انطباق خود با شرایط رسمی قلمداد می کنند. موانعی از جمله:

- ۱- نداشتن وقت: عمدتا بزرگسالان یا شاغل هستند یا مسولیت خانواده را عهده دار هستند.
- ۲- وجود آثار سوء ناشی از تجربیات تحصیل در مدرسه که سواد آموزان از آنها عمدتا یاد می کنند.
- ۳- پایین بودن اعتماد به نفس و خودپنداره تحصیلی
- ۴- فاصله کلاسها و حضور فیزیکی بالاخص برای افراد مسن تر
- ۵- مشکلات مالی بزرگسالان که در اولویت هستند.

۶- فقدان وقت آزاد در طول روز.

۷- فقدان وسیله رفت و آمد و یا فردی برای نگهداری فرزندان.

۸- نگرش منفی به ضرورت سواد آموزی

در هر صورت آموزشیار گرچه عملاً دخالتی در تدوین هدفهای آموزش در روندهای سوادآموزی ندارد، ولی در فعالیت ارزشیابی دخالت مستقیم دارد و وی می بایست از عوامل هشتگانه فوق و اینکه مخاطبان وی دارای چه مشکلاتی هستند، آگاهی کافی داشته باشند. در ارزشیابی های سستی و پایانی موضوع و موارد فوق با توجه به سبک نمره ای، قدری قابل چشم پوشی است ولی هرگونه مدعا جهت انجام ارزشیابی توصیفی از سوی آموزشیارن به طور حتم می بایست موارد فوق الذکر را در نظر بگیرند. به اعتقاد مک گیونی (۱۹۷۸) بزرگسالان به دلیل عدم امنیت، بی اعتمادی، انگیزه کم، نداشتن وقت، اتکای به غیر، نگرش منفی نسبت به آموزش و ترس از موفقیت، در دوره های آموزشی شرکت نمی کنند (به نقل از سرمد، ۱۳۸۴).

این موضوع هرگونه فعالیت جذب بزرگسالان را به کلاسهای سوادآموزی با چالش مواجه می سازد. بدیهی است هرگونه برنامه برای جذب این افراد به سوادآموزی باید با برنامه های نگهداری که یک از آنها اعمال و به کار گیری روشهای ارزشیابی متناسب از آموخته های آنها است، هماهنگ باشد ضمن اینکه در این فرضیه توجه به تفاوت های فردی نیز بسیار مهم و کلیدی است. تاکنون در مورد چالش های خاص سواد آموزان برای اعمال ارزشیابی مقتضی برای آنها مورد بحث واقع شد. اکنون می بایست موضوع از نظر آموزشیاران نیز مورد تعمق قرار گیرد. در بخش دوم لازم است برنامه درسی نیز مورد اشاره قرار گیرد. در این تحقیق نتایج نشان داد عمدتاً سواد آموزانی که در معرض روش ارزشیابی توصیفی قرار گرفته اند، نسبت به آموزشیاران اظهار علاقمندی کرده اند. در اینکه نتایج تا چه حد معتبر است، بحث مفصلی می طلبد یعنی اگر مطابق با سایر تحقیقات حوزه علوم رفتاری با پذیرش درجه ای از خطا موضوع را دنبال کنیم باید گفت این یافته با بسیاری از یافته هایی که در حوزه آموزش رسمی و نهضت (برای مثال اجرای آزمایش آن در استانهای کردستان و اصفهان و دیگر استانها) انجام شده است، هماهنگی دارد. این علاقمندی مورد اشاره دارای جهتگیری سوادآموز به آموزشیار است و لذا تضمینی برعکس آن وجود ندارد. بدیهی است که استفاده از روش ارزشیابی توصیفی دارای شرایط خاصی است که عمدتاً وقتگیر است و نیاز به مهارت های خاصی دارد. اینکه تا چه میزان آموزشیاران به روش اجرای علمی آن مسلط هستند خود جای تامل دارد. قبل از پرداختن به این موضوع لازم است مساله قدری به صورت بنیادی تر نگریسته شود. آموزش بزرگسالان یک حیطه بسیار تخصصی است لذا متصدیان آموزش بزرگسالان می بایست علاوه بر دارا بودن ویژگی های یک آموزشیار (در آموزش های رسمی) دارای دانش و مهارت ویژه ای برای آموزش به بزرگسالان باشد. و مهارت در این زمینه بسیار مهم است. قبل از آنکه آموزشیار اقدام

به ارزشیابی توصیفی کند، لازم است به صلاحیت های آموزش در حیطه بزرگسالی واقف باشند. متأسفانه این موضوع یعنی صلاحیت های آموزشیاران به دلایل متعدد( عمدتاً برون سازمانی) به طور کامل طی سالهای اخیر مورد توجه قرار نگرفته است و به نظر می رسد یکی از دلایل عمده آن، جوانتر بودن سازمان نهضت سواد آموزی به نسبت نظام آموزش و پرورش رسمی کشور باشد. هرچند که آموزش بزرگسالان در کشور دارای قدمت زیاد است ولی تشکیلات سازمان نهضت سواد آموزی به شکل امروزی، با پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

در هر صورت عدم توجه جدی به آموزش آموزشیاران نهضت بالاخص در زمینه مباحث تخصصی در تدریس و ارزشیابی در حیطه بزرگسالان موجب شده است عمدتاً مهارت های موجود آموزشیاران، برای مطرح کردن مباحث نو در عرصه آموزش کفایت نکند.

دلیل عمده چنین وضعیتی همانا تسریع در ریشه کنی بیسوادی طی سالهای اول انقلاب بوده است که موجب جذب آموزشیارانی با حداقل سطح تحصیلی و توانمندی بود به طوری که به این نیاز فوری پاسخ داده شود. فعالیت های سالهای اخیر تا حدودی توانسته است این ضعف را پوشش دهد. سیال بودن و سوادآموز محور بودن روش ارزشیابی توصیفی در صورتی که همراه با وجود آموزشیاران مجرب باشد، نتایج مهمی را به بار می آورد. برقراری ارتباط بین شرایط تدریس و روش ارزشیابی می بایست توسط آموزشیاران در سطح خرد و سازمان نهضت سوادآموزی در سطح کلان مورد توجه قرار گیرد. با توجه به یافته های تحقیق و تلفیق آن با متون علمی می توان جدول زیر را بعنوان یک نقشه کلی از روابط سه گانه شامل شرایط یادگیری- روش تدریس- روش ارزشیابی پیشنهاد کرد.

روش ارزشیابی	روش تدریس	شرایط یادگیری
ارزشیابی فرایندی همراه با صحت و اطمینان دادن	تدوین و طراحی فرایند یادگیری با همراهی سوادآموز و شرکت ان در برنامه ریزی درسی	ناهماهنگی بین تجربه سواد آموز و نیاز های او با ادراک محطی و روانشناختی
استفاده از خود سنجی بعنوان مکمل ارزشیابی فرایند	روش سقراطی و مشارکت در یادگیری	مشارکت در یادگیری
بهره گیری از تجارب در جهت ارزشیابی معتبرتر	استفاده آموزشیار از این تجارب به عنوان منبع یادگیری	ورود تجارب شخصی به محیط یادگیری
عدم استفاده از روش یکسان در ارزشیابی و تاکید بر فردیت و عملکرد فردی	تاکید بر یادگیری فردی به جای یادگیری جمعی به مقتضای یادگیران	ورود عزت نفس و خودپنداره به صحنه یادگیری
هنگام مرجع بودن ارزشیابی به جای ملاک مرجع بودن	آموزش مقتضی با تاکید بر تفاوت های فردی یادگیران	روش یادگیری خاص بزرگسالان و سرت یادگیری مختلف
ارزشیابی کیفی از توانمندی های بالقوه به جای تاکید بر عملکرد امتحان	اطمینان بخشی و تقویت رفتارهای جسارت ورزی	محیط و جو روانی حاکی از خجالت و سرخوردگی

بعنوان پیش زمینه اجرای دقیق روش ارزشیابی توصیفی و با هدف تاثیر گذاری آن بر نگهداری سواد آموزان ابتدا باید گفت آموزشیاران نهضت سواد آموزی لازم است خود را از نظر صلاحیت حرفه ای بیست گانه خاص آموزش بزرگسالان که توسط نوبل (۱۹۸۴) ارائه شده است تجهیز کنند. این صلاحیت ها عبارتند از:

۱. آموزشیاران باید بتوانند با فراگیران ارتباط کاری و موثر برقرار سازند
  ۲. نگرشهای مثبت را نزد فراگیران تقویت کنند
  ۳. فضایی حاکی از شوق را در فراگیران ایجاد کنند
  ۴. مبانی برقراری احترام متقابل با فراگیران را بنا نهد.
  ۵. ضمن هماهنگ سازی تدریس با ویژگی های فردی، به نسبت سرعت تدریس را با پیشرفت فراگیران هماهنگ سازد
  ۶. توسعه اعتماد به نفس فراگیران و ایجاد علاقمندی آنها.
  ۷. برنامه را با نیاز فراگیران هماهنگ کند.
  ۸. از کلاس درس و سایر امکانات برای ایجاد محیطی راحت در زمینه یادگیری استفاده کند.
  ۹. ظرفیت های بالقوه فراگیران را تشخیص دهد.
  ۱۰. به فرایند خود ارزشیابی مرتبط با تدریس آگاه و آن را به کار ببندد.
  ۱۱. نکات اصلی و آنچه عرضه شده است را مرور و از بازخورد ها آگاهی یابد.
  ۱۲. فعالیتهای کلاس درس را هماهنگ و بر آن نظارت کند.
  ۱۳. به سوادآموزان برای آگاهی از روشهای خود آموزی کمک کند.
  ۱۴. آن دسته از اصول یادگیری و تدریس که با شرایط بزرگسالان هماهنگی دارد برگزیند.
  ۱۵. فعالتهای تدریس را با تجارب فراگیران ارتباط دهد.
  ۱۶. زمینه های تدریس که از سوی سواد آموزان جذاب است برگزیند.
  ۱۷. از بازخورد های ارزشیابی حین تدریس آگاهی کافی داشته باشد.
  ۱۸. اطمینان شاگردان را از درک و یادگیری دقیق جلب کند.
  ۱۹. با سایر همکاران در مورد ضعف های روش ها مشورت کند.
  ۲۰. حتی الامکان شناخت جامع و کافی از سوادآموزان در زمینه های مختلف داشته باشد.
- موارد مورد اشاره به عنوان مقدمه استفاده از ارزشیابی توصیفی لازم است از سوی مدیران آموزش و ارزشیابی برای ارزشیابی آموزشیاران مورد استفاده قرار گیرد.
- شواهد و قراین نشان می دهد که در مورد موارد مطرح شده، آموزشها به معنای تخصصی به آموزشیاران ارائه نشده است لذا مطرح کردن موضوع ارزشیابی توصیفی قدری با شتاب همراه بوده است.

گرچه طرح ارزشیابی توصیفی آزمایشی انجام شده است ولی انتظار می رود این طرح بتواند مسیر رشد و کمال خود را طی سالهای آتی طی کند. آنچه در این تحقیق نتیجه داد، علیرغم خطاهای موجود، نشان از نگرش کلی مثبت سواد آموزان جامعه هدف نسبت به اثر بخش بودن روش ارزشیابی توصیفی است.

آنچه که قابل ذکر است این نکته است که افرادی که مورد بررسی قرار گرفته اند (سوادآموز دوره تکمیلی) در دوره مقدماتی تحت ارزشیابی توصیفی قرار داشتند و اکنون که دوره تکمیلی را سپری کرده اند، با این پیش فرض مورد تحقیق قرار گرفته اند که آنها از آثار روش ارزشیابی توصیفی آگاهی دارند. در کل با توجه به سوالات تحقیق، نتایج نشان داد که روش مورد نظر تا حد زیادی توانسته است موجبات رضایت و علاقمندی سواد آموزان را به درس، ادامه تحصیل و آموزشیاران به عنوان سه مولفه مهم در نگهداری سوادآموزان فراهم سازد.

در سوال اول تحقیق مشاهده شد که در استانهای مورد مطالعه اکنون روش ارزشیابی توصیفی به کرات برای سواد آموزان مورد استفاده قرار می گیرد. به نظر می رسد تداوم این روش به عزم سوادآموزان و آموزشیاران وابسته است و هر دو گروه آموزشیاران و سوادآموزان اثر بخش بودن و بهینه بودن این روش را دریافته اند. با توجه به اینکه ارزشیابی توصیفی بنا به ماهیت خاص خود وقت گیر تر و حساس تر از روشهای سنتی است و از طرفی با توجه به محدودیتهای خاص بزرگسالان یعنی درگیر بودن غالب این افراد با زندگی روزمره و همچنین ساختارهای شناختی یادگیری بزرگسالان، تداوم و علاقمندی به استفاده از این روش قدری چالش انگیز است.

در سطوح آموزش های رسمی شاید نگاه منتقدانه به این روش این باشد که روش مذکور با دقت و رعایت کلیه اصول علمی انجام نشود چرا که در آموزش و پرورش رسمی علیرغم آموزش چند مرحله ای آموزشیاران هنوز هم از این روش به طور علمی و با صحت به کار گرفته نمی شود. (حسنی، ۱۳۸۴ و احمدی، ۱۳۸۴). حال در آموزشهای نهضت و امکانات محدود این سازمان ممکن است موضوع قدری نامناسبتر نیز باشد. تعامل دوطرفه بین آموزشیاران و سواد آموزان در زمینه یادگیری و تحصیل به دلیل ماهیت پیچیده این تعامل، معمولا در ارزشیابی ها می توان اثر سوگیرانه ای داشته باشد ضمن اینکه محدودیت کلاسها و دروس ممکن است آنگونه که شایسته است نتواند نتایج استفاده از روش ارزشیابی توصیفی را کاملا دقیق و علمی منعکس کند. در سوالات اول ملاحظه شده که اطلاعات جمع آوری شده حاکی از آن است که هم اکنون برای سوادآموزانی که در مرحله مقدماتی مشغول به تحصیل هستند از روش توصیفی استفاده می شود و در این مرحله نیز (مرحله تکمیلی) از روش توصیفی استفاده شده است. ضمن اینکه طی این دوره طبق نتایج، در دروس مختلف بین ۳ تا ۴ بار ارزشیابی به عمل می آید.

سوال دوم تحقیق با محوریت نقش ارزشیابی توصیفی در علاقمندی به تداوم تحصیلات از سوی سواد آموزان بررسی شد و نتایج نشان داد در این سوال عمدتا پاسخها بر گزینه موافق و کاملا موافق

متمرکز است. این به این معنی است که روش ارزشیابی توصیفی با توجه به مولفه های جذب نگهداری توانسته است موجبات علاقمندی به ادامه تحصیل از سوی سواد آموزان را فراهم آورد. برخی مولفه های این حیطه شامل ارتقاء سطح عملکرد منبعث از روش ارزشیابی توصیفی، جلوگیری از اضطراب امتحان و عدم تاکید بیش از حد به نمره نهایی، انعطاف پذیر بودن روش، اجرای عادلانه، اطمینان از فقدان یا ردی در دوره و اعتماد به نفس و فقدان تاکید بر حجم زیاد مطالب کتاب مورد ارزیابی واقع شد و نتایج نشان داد که در این مولفه ها، سواد آموزان نگرش مثبتی به روش ارزشیابی توصیفی دارند.

یکی از دلایل عمده این یافته که این روش موجب علاقمندی به تداوم فعالیت سواد آموزی از سوی این افراد شده است شاید به نوعی حذف رویکرد نمره محوری و حذف اضطراب و نگرانیهای خاص ارزشیابی است. گرچه این وضعیت در شکل خوشبینانه خود توانسته است موجبات علاقمندی به دروس را فراهم سازد، ولی نمی توان مدعی شد که یادگیری های حاصله واقعا عمیق و پایدار هستند. به بیان ساده چون در روش ارزشیابی توصیفی قدری انعطاف وجود دارد این انعطاف ممکن است موجب عدم سختگیری آموزشیاران در ارزشیابی آموخته های سواد آموزان باشد.

در مورد نقش این روش علاقمندی سواد آموزان به دروس و برنامه درس نیز همانند سوال قبل نتایج نشان داد که با استفاده از این روش، علاقمندی سواد آموزان به دروس نیز ارتقاء یافته. باید گفت این حیطه یعنی حیطه علاقمندی به دروس رابطه مستقیمی با تداوم سواد آموزی دارد. طبق شواهد یکی از مهمترین مولفه های موثر بر ادامه فعالتهای یادگیری، علاقمندی یادگیران به برنامه درسی است (سیف ۱۳۸۲). علاقمندی به برنامه درسی و دروس ممکن است بدینی و بی انگیزه بودن نسبت به فعالتهای یادگیری را تحت تاثیر مثبت خود قرار دهد و به عنوان یک بازخورد مهم در تداوم یادگیری نقش مهمی ایفا کند.

در این سوال مولفه هایی از جمله علاقمندی به دروس در نتیجه فقدان ترس و اضطراب در دروس، آگاهاندن سواد آموز از نقاط قوت و ضعف خود در دروس، توجه به جنبه های خلاقیت و نوآوری فرایند یادگیری و ابعاد کیفی مهارتی در دروس که در اثر ارزشیابی مورد توجه واقع میشود و کاهش کسالت و افزایش تنوع و جذاب تر شدن درسها و نیز تعامل سواد آموز با مفاهیم درسی و یادگیری فعال به عنوان عوامل دربرگیرنده حیطه علاقمندی به دروس مورد مطالعه واقع شد که عمدتاً نتایج مشابهی به دست آمد. در مورد تاثیر روش ارزشیابی توصیفی در علاقمندی سواد آموزان به آموزشیار نیز به عنوان حیطه سوم نتایج نشان داد که در این حیطه نیز تاثیر مثبت گزارش شده است تعامل سازنده ای که در اثر ارزشیابی توصیفی بین سواد آموز و آموزشیار بوجود می آید موجب می شود که به تدریج بین آموزشیار و سواد آموزان یک رابطه حسنه بوجود آید. برخی مولفه های که در این حیطه مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: وجود فرصت تعامل دوستانه با آموزشیاران، کاهش اضطراب در دروس به دلیل جو

صمیمی بین سواد آموزان و آموزشیاران، بهبود روابط سواد آموزان و آموزشیاران به دلیل فقدان تاکید بر نمره پایانی، موضوع مشارکت در یادگیری ارزشیابی، بازخوردهای سازنده ای که آموزشیار در مورد وضعیت ارائه می کند و دقت و تعهد آموزشیار در انجام به نحو احسن ارزشیابی توصیفی. در هر یک از مولفه های مذکور نتایج حاکی از وضعیت مناسب و رضایتمندی سواد آموزان بود.

## پیشنهادات

### الف: پیشنهادات تحقیق:

۱- علیرغم اینکه روش ارزشیابی توصیفی مورد استفاده توانسته است موجبات علاقمندی به تداوم تحصیل در سواد آموزان را فراهم آورد، در این تحقیق معلوم شد که آموزشیاران از فرایند یکسانی برای توصیف نتایج ارزشیابی استفاده نمی کنند (روش های متنوع). لذا پیشنهاد می شود جهت حفظ امانت و جلوگیری از سوگیری ناخودآگاه در ارزیابی سوادآموزان، فرایند ارزشیابی توصیفی و ابزار آن بطور یکسان برای سواد آموزان هر کلاس اجرا شود. مثلاً چک لیست های مورد استفاده ممکن است به دلیل عدم یکسانی، در پایان دوره موجب تضییع حقوق برخی سواد آموزان و به تبع آن کاهش انگیزش تحصیلی سوادآموزان شود.

۲- نتایج نشان داد که روش ارزشیابی توصیفی در زمینه کاهش اضطراب امتحان برای سوادآموزان موثر بوده است. از این موضوع می توان در برنامه های تبلیغی برای جذب سواد آموزان جهت حضور در کلاسهای نهضت سوادآموزی استفاده کرد. بسیاری از موارد جامعه بیسواد کشور به دلیل ماهیت روشهای ارزشیابی و نگرانی در این زمینه از حضور در کلاسهای نهضت سرباز می زنند. در این زمینه پیشنهاد می شود از هرگونه تلاش در جهت جذب بیسوادان به کلاس های نهضت، با همکاری و همفکری آندسته از سوادآموزانی که روش ارزشیابی توصیفی عملاً برای آنها اجرا شده است صورت گیرد. این روش به نظر می رسد ضمن ارتقاء انگیزش تحصیلی بیشتر سوادآموزان فعلی، در اثر همکاری این سوادآموزان؛ موجب جذب بیسوادان بیشتری به کلاسهای نهضت شود. (تشکیل گروه های همیاری تحصیلی در سواد آموزان)

۳- در مورد اینکه آیا می توان از مزایای روش ارزشیابی توصیفی برای جذب بیسوادان به شرکت در کلاس های نهضت بهره جست می توان گفت پاسخ مثبت است ولی به طور غیر مستقیم می توان از آن بهره برد ضمن اینکه می بایست تدابیر مکملی اتخاذ شود. انجام ارزشیابی توصیفی در صورتی که در بستر روش تدریس فعال و یادگیری مشارکتی انجام پذیرد (بعنوان یک پیشنهاد) در آموزش بزرگسالان می تواند نتایج بهتری را به بار آورد. در این زمینه پیشنهاد می شود در زمینه امکان استفاده از روشهای تدریس مشارکتی، مطالعه ای از سوی معاونت آموزش سازمان صورت گیرد. روش ارزشیابی توصیفی به همراه روش تدریس مشارکتی بعنوان مکمل همدیگر، می تواند جذابیت خاصی را در کلاسهای نهضت

بوجود آورد و ماحصل آن ترغیب سوادآموزان فعلی و تبلیغ برای جذب بیسوادان به کلاس های سوادآموزی باشد.

۴- در این تحقیق معلوم شد که آموزشیاران و سواد آموزان عمدتاً اطلاعات کامل، دقیق و علمی در زمینه استفاده از روش ارزشیابی توصیفی ندارند. در این زمینه دو پیشنهاد می تواند مطرح باشد. پیشنهاد نخست برای بهبود استفاده از روش ارزشیابی توصیفی و به تبع آن ارزشیابی روش سودمند خواهد بود ۴/۱- نخست به عنوان یک فعالیت زیر بنایی، تدوین یک دوره و کارگاه آموزشی برای آموزشیاران که در آن اصول و نظریه های یادگیری به شکل خلاصه شده و کاملاً کاربردی تدوین شده باشد پیشنهاد می شود. این اقدام بعنوان یک اقدام زمینه ساز برای تفهیم مفاهیم و مبانی ارزشیابی توصیفی می تواند مؤثر باشد.

۴/۲- با توجه به این که نگاه خاصی که ارزشیابی توصیفی بر موضوع ارزشیابی دارد؛ برخاسته از رویکردهای خاص یادگیری است، لذا تبیین آن دسته از نظریه هایی که موضوع یادگیری را به عنوان اجزاء پیوسته در نظر می گیرند مهم است. در این زمینه تشکیل کارگاه های آموزشی پیشرفته برای تبیین اصول یادگیری امر حیاتی برای انجام مؤثر روش ارزشیابی توصیفی است.

۵- در تکمیل پیشنهاد اول باید افزود گرچه در هر صورت روش ارزشیابی توصیفی اکنون در کلاسهای مورد مطالعه رایج است؛ و در این زمینه ضعف ها و نارسای های فراوانی وجود دارد، ولی نباید این ضعف ها را عاملی برای متوقف کردن این روش قلمداد کنیم. پیشنهاد می شود بعنوان یک اقدام تکمیلی با تاکید بر تشکیل گروه های کاری بین آموزشیاران و گروهی از سواد آموزانی که در معرض این روش قرار گرفته اند ابعاد روش ارزشیابی توصیفی بازنگری شده و اصلاحات مقتضی با مشاورت یک متخصص ارزشیابی صورت گیرد.

۶- بعنوان یک پیشنهاد نهایی و پیشنیاز اجرای پیشنهادات فوق لازم است سازمان نهضت سوادآموزی نسبت به برگزاری دوره های آموزش تخصصی تدریس به بزرگسالان مبتنی بر اصول علمی و ارزشیابی برای آموزشیاران اهتمام ورزد. با توجه به اینکه بسیاری از رفتارهای پیچیده انسانی بالاحص در دوره آموزش های بزرگسالان مانند تحلیل کردن، تفسیر کردن، استدلال کردن، حل مسئله، قضاوت و ارزشیابی را نمی توان در قالب رفتارهای ساده محرک به پاسخ (همانند آموزش خردسالان) توجیه کرد. لذا آموزش ارزشیابی کیفی بعد از آموزش های تخصصی بزرگسالان توصیه می شود.

### پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی:

۱- این تحقیق بیش از آن که نشان دهد استفاده از ارزشیابی توصیفی چه تاثیری بر جذب و نگهداری سواد آموزان داشته است؛ نشان داد که عمده سواد آموزان گروه نمونه اطلاعات مفیدی در زمینه این روش ندارند. (این اطلاعات در برخی دست نوشته ها و حاشیه های نوشته شده بر پرسشنامه قابل مشاهده است)

به امید این که یافته های این تحقیق به طور عملی مورد استفاده قرار گیرد، پیشنهاد می شود محققان آتی بطور مقایسه ای تاثیر این روش را بر علاقمندی به تحصیل از سوی سوادآموزان بررسی کنند.

۲- پیشنهاد می شود در تحقیقات بعدی در مورد متوسط زمان انجام ارزشیابی توصیفی و اینکه آیا در دوره های نهضت از لحاظ محتوای دروس امکان اجرای روش توصیفی وجود دارد یا خیر تحقیقی انجام گیرد

۳- بدیهی است که در زمینه اثربخشی روش ارزشیابی توصیفی تحقیقات زیادی در دست است لکن پیشنهاد می شود در زمینه اثربخشی نوع ارزشیابی بر پیشرفت تحصیلی سواد آموزان در کنار رضایتمندی آموزشیاران از روش و چالش های پیش رو طی یک سال تحصیلی تحقیقی انجام گیرد. این تحقیق می تواند در جهت اطمینان دهی به آموزشیاران جهت استفاده از روش ارزشیابی توصیفی مؤثر باشد.

۴- پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی در زمینه آثار ارزشیابی توصیفی بر روابط متقابل آموزشیاران - سواد آموزان تحقیقی مجزا انجام شود.

#### محدودیت ها

۱- همانطور که گفته شد گرچه پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق به منظور بررسی نقش روش ارزشیابی توصیفی در جذب و نگهداری سواد آموزان طراحی شده است لکن محقق متوجه شد که در مجموع میزان آگاهی از اصول و روش های ارزشیابی توصیفی از سوی سواد آموزان و گاه آموزشیاران قدری ضعیف است. بنابراین عدم آگاهی از موضوع ارزشیابی توصیفی خود یک محدودیت مهم است که بر نتایج این تحقیق تأثیر دارد. به طور قطع تا زمانی که آموزشیاران و سواد آموزان از یک روش خاصی اطلاعات کافی و لازم نداشته باشند، تحقیق در مورد اثر بخشی روش قدری چالش انگیز است.

۲- انگیزه پاسخگویی به سؤالات یکی از مسائلی است که تقریباً در تمامی تحقیقات به آن اشاره می شود. در بررسی کیفی پرسشنامه های، محقق به دو مسأله پی برد نخست این که علیرغم آشنایی ناکافی آموزشیاران با ابعاد روش ارزشیابی توصیفی، به دلایل متعددی برخی از آموزشیاران حاضر به قبول این واقعیت نیستند؛ (در تکمیل پرسش نامه علاوه بر همکاران پژوهشی، آموزشیاران نیز سواد آموزان را کمک می کردند) گرچه برای آن ها اطمینان در زمینه محفوظ بودن نتایج برای آن ها فراهم شد. این عامل بی شک بر نتایج مؤثر بوده است .

۳- گرچه محقق تا حدودی تلاش کرد وضعیت انجام ارزشیابی توصیفی را از دید آموزشیاران مطالعه کند لکن هنوز هم این مسأله که واقعا سواد آموزان به جای پاسخ های واقعی، خواست های آموزشیاران را پاسخ داده باشند، کماکان مبهم است.